

۲
ایرانزبان مشترک در دریا
رزمایش ایران و روسیه۳
افقمهندسی جدید قدرت
نشست افتتاحیه شورای صلح غزه۶
بازاربمب بازار
۱۲ میلیون نفر نه شاغل اند و نه محصل۷
کوچهمیوه کوپنی!
افزودن میوه به کالابریک

شکاف عمیق

چرا اقتصاددانان و پزشکیان به تفاهم نمی‌رسند؟

۶
توسعه

سرمقاله

دیپلماسی زیر سایه ناوها

راه عقلانی برای آمریکا، ایران و منطقه، بهره‌گیری از مذاکرات برای کاهش تنش است



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در هفته‌های اخیر، همزمان با افزایش تحرکات نظامی آمریکا در منطقه و تشدید مواضع رسانه‌ای دو طرف این پرسش جدی مطرح شده است که آیا منطقه به سمت جنگ پیش می‌رود یا امکان دستیابی به توافق همچنان وجود دارد؟ هرچند هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت درباره وقوع یا عدم وقوع جنگ سخن بگوید اما مجموعه شواهد نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، احتمال توافق و فاصله گرفتن از درگیری نظامی بیش از گزینه جنگ است.

واقعیت آن است که جنگ با ایران نه برای آمریکا و نه برای منطقه، اقدامی ساده و کم‌هزینه نیست. نفس آماده‌سازی این حجم از توان نظامی از سوی آمریکا، از استقرار گسترده ناوگان‌ها تا افزایش حضور هوایی در منطقه، نشان‌دهنده اهمیت و پیچیدگی هرگونه درگیری احتمالی است. همین سطح از آمادگی، خود گواه آن است که تصمیم‌گیری درباره جنگ با ملاحظات گسترده سیاسی، امنیتی و اقتصادی همراه خواهد بود. از منظر سیاسی نیز شرایط به‌گونه‌ای است که اجماع منطقه‌ای برای جنگ وجود ندارد. به‌جز اسرائیل، سایر متحدان آمریکا در منطقه تمایلی به آغاز یک جنگ گسترده نشان نداده‌اند. کشورهای عربی از عمان تا مصر همچنین همسایگان ایران مانند ترکیه، عراق و پاکستان هر یک به‌نوعی نگران تبعات بی‌ثباتی فراگیر در منطقه هستند و برخی از آنها، به‌ویژه عمان، قطر و ترکیه در مسیر کاهش تنش‌ها، فعالانه نقش‌آفرینی می‌کنند. در این میان می‌توان سه رویکرد متفاوت را تشخیص داد: نخست، رویکردی که خواهان وارد آمدن ضربه‌ای سخت به ایران است و حتی ورود آمریکا به یک جنگ جدی را مطلوب می‌داند؛ دوم، دیدگاهی که یک اقدام تنبیهی محدود را کافی می‌پندارد؛ و سوم موضعی که اساساً با آغاز جنگ مخالف است و بر مهار تنش تأکید دارد. این تکتک مواضع، خود عاملی بازدارنده در برابر شکل‌گیری یک ائتلاف منسجم جنگی به‌شمار می‌رود.

در سوی دیگر، تجربه تاریخی آمریکا نیز مانعی مهم در برابر تصمیم به جنگ است. جنگ عراق نمونه روشنی از دشواری‌های مداخله نظامی در منطقه است. ایالات متحده در آن مقطع با گزینه‌های متفاوتی مواجه بود؛ از حذف رأس هرم قدرت گرفته تا انحلال کامل ساختار سیاسی و نظامی عراق. انتخاب گزینه حداکثری به فروپاشی ساختار حکمرانی و ورود عراق به یک دوره طولانی بی‌ثباتی انجامید؛ وضعیتی که نمتتها هزینه‌های انسانی و مالی سنگینی برای مردم عراق داشت بلکه آمریکا نیز به بسیاری از اهداف اعلامی خود دست نیافت. این تجربه نشان می‌دهد که مداخله نظامی لزوماً به نتایج پیش‌بینی‌پذیر منتهی نمی‌شود و گاه پیامدهای آن از کنترل تصمیم‌گیران خارج می‌شود.

از منظر ایران نیز ورود به جنگ با آمریکا، گزینه‌ای مطلوب تلقی نمی‌شود. جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته در مواجهه با بحران‌های متعدد، تلاش کرده است بقا و ثبات خود را حفظ کند و در این مسیر تجربه‌های متنوعی اندوخته است. تصمیم‌گیری در سطوح عالی نظام به‌طور سنتی با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و امنیتی گسترده انجام می‌شود و بعید است بدون محاسبه دقیق هزینه و فایده، کشور به سمت یک درگیری فراگیر سوق داده شود. جنگ برای هیچ‌یک از طرفین دستاوردی قطعی و تضمین‌شده ندارد، حال آنکه توافق (حتی اگر حداقلی باشد) می‌تواند از تشدید بحران جلوگیری کند و فرصت‌هایی تازه برای تنفس اقتصادی و سیاسی فراهم آورد.

| ادامه در صفحه ۲

تهدید و امید

روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز خبر داد: رئیس‌جمهور آمریکا به‌دنبال توافقی فراتر از برجام است آیا تهران و واشنگتن می‌توانند زیر سایه فشار جنگ و اولتیماتوم، به توافقی ماندگار دست یابند؟ سازندگی به این موضوع پرداخته است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



روزنامه فایننشال تایمز در مقاله‌ای به بررسی وضعیت مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا پرداخته و نوشته است که با جهش قیمت نفت و دستور دونالد ترامپ برای یکی از بزرگ‌ترین تجمع‌های نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه از زمان جنگ عراق، روند گفت‌وگوهای میان تهران و واشنگتن بیش از پیش به رقابتی برای جلوگیری از یک درگیری تازه در منطقه شباهت پیدا کرده است. این روزنامه تأکید کرده که

مذاکرات جاری در شرایطی برگزار می‌شود که همزمان نشانه‌هایی از پیشرفت دیپلماتیک و تشدید تهدیدهای نظامی دیده می‌شود و همین تضاد، مسیر پیش‌روی دو طرف را به‌شدت خطرناک و پیچیده کرده است. براساس این گزارش، دو طرف در هفته جاری دور دوم

گفت‌وگوهای هسته‌ای را برگزار کردند و وزیر امور خارجه ایران از «پیشرفت خوب» در مذاکرات خبر داد درحالی که یک مقام آمریکایی نیز اعلام کرد، تهران ظرف دو هفته با «پیشنهادهای تفصیلی» بازخواهد گشت. با این حال، خوش‌بینی محتاطانه ایجاد شده با اظهارات معاون رئیس‌جمهور آمریکا که ایران را به نپذیرفتن «خطوط قرمز» ترامپ متهم کرد تا حد زیادی تضعیف شد. سخنگوی کاخ سفید نیز روز چهارشنبه تأکید کرد که اگرچه «دیپلماسی همیشه گزینه اول» رئیس‌جمهور آمریکاست اما «دلایل و استدلال‌های زیادی برای حمله به ایران وجود دارد».

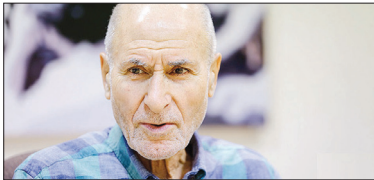
| ادامه در صفحه ۳



سیاست

ناجی اقتصاد در جنگ ۸ ساله

روایت بهزاد نبوی از ستاد بسیج اقتصادی



گروه سیاسی: بهزاد نبوی، نخستین سرپرست ستاد بسیج اقتصادی در دوران جنگ ۸ ساله در گفت‌وگو با فصلنامه «اگوا» که به بازخوانی یکی از کمتر دیده‌شده‌ترین تجربه‌های مدیریتی جمهوری اسلامی، یعنی ستاد بسیج اقتصادی، پرداخته و ضمن بیان چالش‌ها و اقدامات آن روز، به تفاوت شرایط امروز و آن دوران نیز اشاره می‌کند. نبوی تأکید می‌کند که همراهی مردم در دهه ۶۰ عامل کلیدی موفقیت برنامه‌های دولت بود و هشدار می‌دهد که در شرایط کنونی با وجود بحران‌ها و تحریم‌های موجود، مردم آمادگی کافی برای مواجهه با محدودیت‌های جدی ندارند؛ اما اگر بحرانی مانند جنگ یا تشدید تحریم‌ها رخ دهد، اجتناب‌ناپذیر است که مردم شرایط سخت را بپذیرند.

در دوران آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کشور با بحرانی فراگیر مواجه شد که نه‌تنها جبهه‌های نظامی بلکه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. بهزاد نبوی، نخستین سرپرست ستاد بسیج اقتصادی، در این گفت‌وگو به تشریح تجربه کم‌نظیر مدیریت اقتصادی در آن سال‌ها پرداخته است. او تأکید می‌کند که شکل‌گیری این ستاد، پاسخی مستقیم به شرایط بحرانی بود و ریشه در ایده‌های پیش از جنگ درباره ساماندهی منابع و مدیریت بحران داشت که در دولت موقت و پس از آن مطرح شده بود اما اجرای عملی آنها تا شروع جنگ محقق نشد.

نبوی روایت می‌کند که در ابتدای ورود دولت شهید رجایی، کشور عملاً آمادگی مقابله با بحران‌های گسترده اقتصادی و نظامی را نداشت. سقوط خرمشهر، محاصره آبادان و حمله به خسارک و تهران، زنجیره تأمین کالاها ی اساسی را فلج کرده بود و مردم با کمبود گندم، سوخت و کالاهای حیاتی روبه‌رو بودند. در چنین شرایطی، ستاد بسیج اقتصادی به‌عنوان مرجعی برای مدیریت منابع، سهمیه‌بندی کالا و هماهنگی بین وزارتخانه‌ها شکل گرفت و هدف اصلی آن تأمین نیازهای روزمره مردم بود.

یکی از ابتکارات مهم ستاد، ایجاد سیستم کوپن یا کالاپرگ برای توزیع کالاهای اساسی بود. نبوی توضیح می‌دهد که این تصمیم ناشی از محدودیت شدید واردات، کاهش درآمد ارزی و کمبود منابع داخلی بود. کوپن‌ها اجازه می‌دادند که کالاها به‌صورت عادلانه در اختیار تمام مردم قرار گیرد، درحالی که نان، مهم‌ترین کالای مصرفی همواره خارج از سهمیه‌بندی نگه داشته شد تا کمبود آن موجب بحران اجتماعی نشود. وی خاطرنشان می‌کند که با وجود انتقادهای سیاسی و اتهامات نسبت به «کو پنیسم» این سیستم تنها راهکار ممکن برای جلوگیری از آشفتنگی بازار و سوءتوزیع منابع بود.

بهزاد نبوی همچنین نقش مردم را در موفقیت این تجربه برجسته می‌کند. او معتقد است که همراهی و اعتماد مردم نسبت به نظام و دولت، پذیرش سختی‌ها و مشارکت فعال در اجرای برنامه‌ها، عامل کلیدی بود. مردم درک می‌کردند که محدودیت‌ناشی از شرایط جنگ است و با وجود سختی‌ها، سیستم ستاد، حداقل‌های زیستی آنها را تضمین می‌کرد. او، به گفته او، این واقعیتی و صداقت مسئولان در اعلام محدودیت‌ها و شرایط بحران باعث جلب اعتماد عمومی شد و سیستم کوپنی تا حد زیادی توانست از قحطی و آشفتنگی جلوگیری کند.

نبوی تصریح می‌کند که ستاد بسیج اقتصادی ساختاری هماهنگ و جمعی داشت، با کمیته‌های تخصصی برای کالاهای اساسی، سوخت، حمل‌ونقل و صنعت و مکانیسم‌های نظارتی محدود اما عملیاتی برای کنترل توزیع کالاها. او اشاره می‌کند که حتی با فقدان تجربه اجرایی گسترده و منابع محدود، ستاد با بهره‌گیری از همکاری وزارتخانه‌ها و همراهی کارشناسان توانست در شرایط بحرانی کارکرد مؤثر داشته باشد.

در پایان، بهزاد نبوی، تجربه ستاد بسیج اقتصادی را الگویی تاریخی برای مواجهه با بحران‌های اقتصادی می‌داند و به تفاوت رفتار مردم امروز و آن دوران اشاره می‌کند. او می‌گوید، اگرچه مردم اکنون آمادگی مشابه برای پذیرش محدودیت‌های اقتصادی ندارند اما در صورت بحران‌های شدید، ناچار به پذیرش شرایط خواهند شد و در چنین شرایطی برنامه‌ریزی دقیق و توزیع عادلانه منابع، مشابه تجربه جنگ اهمیت حیاتی خواهد داشت.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

زبان مشترک در دریا

شناورهای رزمی، بالگردها و تیم‌های ویژه ایران و روسیه در آب‌های شمال اقیانوس هند صف‌آرایی کردند

گروه سیاسی: موج‌های آرام دریای عمان، سی‌ام بهمن‌ماه، صحنه آرایشی متفاوت از قدرت بودند؛ صف‌آرایی شناورهای رزمی ایران و روسیه در پهنه آب‌های شمال اقیانوس هند، تصویری از هم‌افزایی عملیاتی و پیام‌های چندلایه سیاسی و امنیتی را به نمایش گذاشت و تمرین‌های مشترک، از عرشه ناوشکن ایرانی تا سکوی ناو بالگردبر روسی، زبان مشترک دریا را به نمایش گذاشتند؛ زبانی که در آن هماهنگی تاکتیکی، واکنش سریع و امنیت دریانوردی، محور اصلی سناریوهای عملیاتی بود. این رزمایش که با شرکت یگان‌های سطحی، پروازی و نیروهای ویژه دو کشور برگزار شد، پیامی واضح از امنیت و بازدارندگی به منطقه مخابره کرد و فراتر از یک تمرین نظامی، نمایشی از دیپلماسی دریایی و بازتعریف معادلات امنیتی در یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان بود.

تمرین هماهنگی در میدان واقعی

در یکی از مهم‌ترین مراحل این رزمایش، یگان‌های شرکت‌کننده تمرین عکسبرداری هوایی (Photo Ex) و سناریوی صورت‌بندی و آرایش‌های تاکتیکی آفندسی را با موفقیت اجرا کردند. این مرحله با حضور ناوشکن «الوند» به‌عنوان ناو سرفرماندهی، ناوموشک‌اندازهای «تیزه» و «خنجر»، بالگرد ۳D-SH، لندینگ کرافت‌ها، شناورهای هجومی و تیم‌های عملیات ویژه از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در کنار آنها، ناو «شهید صیاد»، شناورهای کلاس تندر، قایق‌های هجومی، تیم‌های عملیات ویژه و بالگرد بل ۴۱۲ از نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مشارکت داشتند. از سوی روسیه، ناو بالگردبر «استویسکی» در این مرحله نقش‌آفرینی کرد؛ شناوری سنگین و چندمنظوره که حضورش در آب‌های منطقه، پیام روشنی از سطح همکاری‌های راهبردی دو کشور داشت. همچنین دو فروند جنگنده F-۴ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در این تمرین حضور یافتند تا هماهنگی میان نیروهای دریایی و هوایی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. تمرین Photo Ex که در آن یگان‌ها در آرایشی منظم و از پیش طراحی‌شده، حرکت می‌کنند و تصاویر هوایی برای ثبت هماهنگی و انسجام عملیاتی گرفته می‌شود، علاوه بر جنبه تبلیغاتی، شاخصی از سطح آمادگی و یکپارچگی فرماندهی و کنترل مشترک است. در این مرحله، یگان‌ها شیوه‌های مختلف استقرار و مانور ترکیبی را تمرین کردند؛ از آرایش خطی و پدافندی گرفته تا صورت‌بندی‌های آفندسی که نیازمند هماهنگی لحظه‌ای میان واحدهای سطحی و پروازی است.

ادامه سرمقاله

دیپلماسی زیر سایه ناوها

در حال حاضر، کانون اصلی گفت‌وگوها بر مسئله هسته‌ای متمرکز است. مذاکرات اخیر که با میانجیگری عمان برگزار شده از سوی طرف‌های درگیر مثبت ارزیابی شده است. تمرکز بر پرونده هسته‌ای، از یک‌سو دامنه مذاکرات را مشخص و محدود می‌کند و از سوی دیگر، امکان دستیابی به چارچوبی فنی و قابل سنجش را افزایش می‌دهد. بدیهی است که تا زمان امضای توافق نهایی چانه‌زنی‌ها ادامه خواهد داشت و هر طرف تلاش می‌کند بیشترین امتیاز ممکن را کسب کند. اما اصل پذیرش مذاکره، خود نشانه‌ای از ترجیح دیپلماسی بر تقابل نظامی است.

فراتر از مسئله هسته‌ای، بعد اقتصادی معادله نیز اهمیت فراوانی دارد. اقتصاد کنونی ایران با وجود ظرفیت‌های قابل توجه به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های ساختاری از جذابیت کامل برای سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار نیست. تولید نفت و گاز ایران در مقایسه با بازار جهانی، اگرچه قابل توجه است اما به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست و کشورهای دیگری نیز قادر به تأمین بخشی از نیاز بازار هستند. حجم تجارت خارجی ایران نیز در شرایط فعلی، آن‌چنان بزرگ نیست که معادلات کلان اقتصاد جهانی را درگرو کند.

با این حال، وجه پنهان اقتصاد ایران در ظرفیت‌های بالقوه آن نهفته است. ایران از نظر منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیک، جمعیت تحصیل‌کرده و نیاز گسترده به توسعه زیرساخت‌ها، ظرفیت جذب صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را دارد. سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت و گاز، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی و گسترش صنایع پیشرفته می‌تواند در یک بازه زمانی میان‌مدت، اقتصاد ایران را به بازیگری مهم‌تر در منطقه بدل کند. طرح همکاری‌های اقتصادی در چارچوب یک توافق گسترده‌تر، می‌تواند افق راهبردی

سناریوی آزادسازی کشتی ر بوده شده؛ تمرین واکنش سریع

بخش عملیاتی دیگر رزمایش، تمرین آزادسازی کشتی ر بوده شده بود؛ سناریویی که بر مبنای مقابله با تهدید دزدی دریایی طراحی شده بود. پس از ارسال پیام اضطراری از سوی کشتی‌های تجاری به مرکز هماهنگی جست‌وجو و نجات دریایی (MRCC) بندرعباس، عملیات وارد مرحله اجرایی شد. در گام نخست، یک فروند بالگرد SH-۳D نیروی دریایی ارتش و یک فروند بالگرد بل ۴۱۲ نیروی دریایی سپاه منطقه عملیات را شناسایی کردند. سپس ناوشکن «الوند» به‌عنوان ناو سرفرماندهی، یگان‌های رزمی مستقر را برای اجرای عملیات آزادسازی به محدوده مورد نظر هدایت کرد. نیروهای عملیات ویژه



ارتش و سپاه با مشارکت تیم‌های عملیات ویژه نیروی دریایی روسیه از هوا و سطح دریا عملیات تصرف را اجرا کردند. پس از دستگیری دزدان دریایی فرضی، کشتی ر بوده شده با موفقیت آزاد شد. این سناریو نشان‌دهنده تمرکز رزمایش بر تهدیدات نامتقارن دریایی و ضرورت واکنش سریع و هماهنگ در شرایط عملیاتی پیچیده بود.

اهداف اعلام‌شده؛ امنیت، تعامل و دیپلماسی دریایی

به گفته امیر در یادار دوم حسن مقصودلو، سخنگوی رزمایش، این مانور با هدف ارتقای امنیت و تعاملات پایدار دریانوردی در دریای عمان و شمال اقیانوس هند برگزار شد. توسعه همکاری‌های مشترک دریایی و تقویت روابط میان نیروهای دریایی دو کشور در طراحی و اجرای عملیات‌های مرکب نیز از دیگر اهداف اعلام‌شده بود.

نکته اینکه برگزاری رزمایش در دریای عمان و شمال اقیانوس هند، اهمیت ژئوپلیتیک آن را دوچندان می‌کند. این منطقه به‌عنوان یکی از گذرگاه‌های حیاتی تجارت جهانی و انرژی همواره در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های قرار داشته است. حضور مشترک یگان‌های ایران و روسیه در این پهنه آبی علاوه بر تمرین

برای آینده ترسیم کند؛ افقی که در آن حل‌وفصل اختلافات سیاسی، به گشایش‌های اقتصادی گره می‌خورد.

در داخل کشور نیز بحث خروج از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» مطرح شده است. استمرار این وضعیت، نوعی بلاتکلیفی مزمن ایجاد می‌کند که آثار آن در اقتصاد، سرمایه‌گذاری و روان عمومی جامعه قابل مشاهده است. تأکید بر پایان دادن به این شرایط را می‌توان نشانه‌ای از اراده برای رسیدن به وضعیت پائباتر دانست. البته برخلاف سال ۱۳۶۷ که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد چارچوبی مشخص برای آتش‌بس فراهم کرد، امروز سند آماده‌ای برای پایان تنش وجود ندارد و مسیر پیش‌رو از دل مذاکرات تدریجی و پیچیده می‌گذرد.

یکی دیگر از ابعاد مهم وضعیت کنونی، ضرورت بازسازی اعتماد عمومی در داخل است. حوادث اعتراضی و تلفات انسانی سال‌های اخیر، شکاف‌هایی در جامعه ایجاد کرده که ترمیم آن نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی و گفت‌وگوی ملی است. هرگونه سازوکار حقیقت‌یاب، اگر با استقلال و جدیت دنبال شود، می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد وقایع و کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کند. در عین حال، مهم‌تر از هر چیز جلوگیری از تکرار خشونت و فراهم آوردن زمینه‌ای برای بیان مسالمت‌آمیز مطالبات اجتماعی است. جامعه‌ای که در درون خود به ثبات و همبستگی نسبی دست یابد، در برابر تهدیدهای خارجی نیز مقاوم‌تر خواهد بود.

در سطح راهبردی باید توجه داشت که مقایسه ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی کشورها، بخشی از محاسبات تصمیم‌گیران را تشکیل می‌دهد. تولید ناخالص داخلی آمریکا چندین برابر اقتصاد ایران است و این تفاوت در یک جنگ فرسایشی می‌تواند، تعیین‌کننده باشد. در عین حال، هرگونه درگیری گسترده در خاورمیانه، تبعاتی

نظامی حامل پیام ثبات‌سازی، همکاری امنیتی و بازدارندگی و توان عملیاتی هماهنگ به منطقه بود. در تحلیل‌های ارائه شده از سوی فرماندهان سابق نیروی دریایی ارتش، یکی از نکات کلیدی این رزمایش، شکل‌گیری و تمرین «زبان مشترک» میان نیروهای دریایی دو کشور عنوان شد. در عملیات‌های مرکب، هماهنگی ارتباطی، علائم، دستورات تاکتیکی و رویه‌های عملیاتی باید از پیش تدوین و تمرین شود. این موضوع به‌ویژه در عملیات‌های هوادریا مانند فرود بالگرد بر عرشه ناو کشور دیگر، اهمیت مضاعف دارد. ناو بالگردبر روسی که در این رزمایش حضور داشت، بستری برای تمرین همین هماهنگی‌ها فراهم کرد. تجربه عملی تعامل میان یگان‌های سطحی، پروازی و نیروهای ویژه، سطح آمادگی طرفین را در سناریوهای واقعی افزایش می‌دهد و امکان انتقال تجربیات عملیاتی را مهیا می‌کند.

پیام‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

همکاری‌های نظامی دریایی میان تهران و مسکو در سال‌های اخیر روندی رو به گسترش داشته اما رزمایش مرکب دریایی ایران و روسیه در شرایطی برگزار شد که تحولات امنیتی منطقه با حساسیت دنبال می‌شود. از نگاه تحلیلگران، حضور یک ناو بالگردبر روسی در آب‌های منطقه و اجرای مانورهای مشترک، می‌تواند در محاسبات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثرگذار

باشد. نکته اینکه پیش‌تر رزمایش‌های مشترکی با حضور کشورهای دیگر نیز برگزار شده بود اما این مانور دو جانبه، بر عمق همکاری‌های عملیاتی میان دو طرف تأکید داشت. همچنین براساس دیدگاه‌های مطرح‌شده، چنین رزمایش‌هایی علاوه بر ارتقای توان رزمی، در حوزه جنگ روانی و بازدارندگی نیز نقش‌آفرین هستند. رزمایش مرکب دریایی میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با اجرای موفق سناریوهای عملیاتی و بدربه ناو بالگردبر روسی به پایان رسید. اما اهمیت آن صرفاً در اجرای چند سناریوی تاکتیکی خلاصه نمی‌شود. این رزمایش بستری برای ارتقای فرماندهی و کنترل مشترک، تمرین واکنش سریع به تهدیدات دریایی، انتقال تجربه میان دو نیروی دریایی و تقویت دیپلماسی دفاعی بود. در پهنه‌ای که رقابت‌های ژئوپلیتیک همواره جریان دارد، چنین رزمایش‌هایی علاوه بر تمرین نظامی به‌عنوان ابزاری برای ارسال پیام ثبات، تعامل و آمادگی نیز به‌شمار می‌آیند. نمایش مشترک توانمندی‌هایی دو کشور در سکوت آب‌های عمان، پیام‌های پرصدایی به همراه داشت؛ پیام همکاری راهبردی، آمادگی عملیاتی و تلاش برای شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی بومی در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان.

فراتر از دو کشور خواهد داشت و امنیت انرژی، بازارهای مالی و ثبات منطقه را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. از این‌رو حتی برای آمریکا نیز ورود به جنگی پرهزینه و نامطمئن، تصمیمی ساده نیست.

تجربه تاریخی ایران نیز نشان داده است که جنگ‌ها الزاماً به اصلاح ساختارهای سیاسی یا بهبود وضعیت اقتصادی منجر نمی‌شوند. جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار به از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین انجامید بی‌آنکه به تقویت بنیان‌های حکمرانی بینجامد. جنگ ۸ ساله ایران و عراق نیز با وجود دفاع گسترده و فداکاری‌های فراوان، خسارات انسانی و اقتصادی سنگینی بر کشور تحمیل کرد و سال‌ها بازسازی را ضروری ساخت. این تجربه‌ها یادآور آن است که هزینه‌های جنگ، اغلب فراتر از تصورات اولیه است و آثار آن نسل‌ها باقی می‌ماند.

در چنین شرایطی، عقلانیت سیاسی اقتضا می‌کند که همه طرف‌ها از حداقل‌خواهی‌های اولیه فاصله بگیرند و به راه‌حلی میانه بیندیشند؛ راه‌حلی که در آن، هر دو طرف بتوانند دستاوردی قابل دفاع ارائه کنند. مذاکره به‌معنای تسلیم نیست، همان‌گونه که ایستادگی به‌معنای جنگ‌طلبی نیست. هنر سیاست آن است که میان حفظ منافع ملی و پرهیز از هزینه‌های غیرضروری تعادل برقرار کند. برآیند این فرآیند نشان می‌دهد که اگرچه سایه جنگ همچنان بر منطقه سنگینی می‌کند اما مسیر دیپلماسی هنوز باز است و حتی می‌توان گفت نسبت به گذشته فعالیت‌ها شل شده است. تحقق توافق مستلزم تصمیم‌های دشوار و امتیازدهی متقابل است اما جایگزین آن می‌تواند بی‌ثباتی گسترده‌تری باشد که هیچ‌یک از بازیگران از آن سود نخواهند برد. از این‌رو ترجیح عقلانی برای ایران، آمریکا و کشورهای منطقه آن است که از فرصت مذاکرات بهره بگیرند و با عبور از فضای تهدید و رجزخوانی به چارچوبی پایدار برای کاهش تنش دست یابند.

مهندسی جدید قدرت

نشست افتتاحیه شورای صلح غزه برگزار شد

گروه بین الملل: نشست موسوم به «شورای صلح غزه» به ریاست دونالد ترامپ و با حضور رهبران و نمایندگان حدود ۴۵ کشور جهان، از همان ابتدا بیش از آنکه یک ابتکار صرفاً بشردوستانه باشد، نشانه‌ای از تلاش آمریکا برای بازتعریف چارچوب‌های مدیریت بحران فلسطین و جایگزینی سازوکارهای سنتی بین‌المللی تلقی شد. این نشست که بدون حضور نماینده‌ای از سوی مردم فلسطین در روز پنج‌شنبه برگزار شد، پرسش‌های جدی درباره مشروعیت، اهداف واقعی و پیامدهای سیاسی آن در سطح منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده است.

ترامپ در سخنان خود تلاش کرد، ابتکار جدید را به‌عنوان یک نقطه عطف تاریخی معرفی کند و با تأکید بر دشواری مسیر صلح، وعده دستیابی به آن را داد. اما همین چارچوب روایی نشان می‌دهد که آمریکا قصد دارد، نقش «میانجی انحصاری» را در پرونده غزه تثبیت کند؛ نقشی که طی دهه‌های گذشته همواره مورد انتقاد بوده است. تأکید بر کمک مالی ۱۰ میلیارد دلاری و مشارکت کشورهای مختلف در بسته‌های حمایتی بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، حامل پیام سیاسی است: واشنگتن می‌خواهد بازسازی و آینده غزه را از طریق سازوکاری تحت رهبری خود هدایت کند و از این مسیر نفوذ راهبردی‌اش

ادامه تیتريک

امید در سایه تهدید

این اظهارات در شرایطی مطرح شد که دومین ناو هواپیمابر آمریکا به همراه ده‌ها هواپیمای نظامی دیگر به‌سوی منطقه اعزام شدند. فایننشال تایمز این روایت‌های متضاد را نشانه مسیری خطرناک دانسته و نوشته است که موانع عظیم و پیچیده‌ای بر سر راه تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از جنگی تازه میان دو دشمن دیرینه وجود دارد.

در ادامه گزارش آمده است که یکی از شکاف‌های اصلی میان دو طرف، اختلاف دیرینه درباره برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران است. دونالد ترامپ بارها تأکید کرده که تهران باید ظرفیت غنی‌سازی خود را به‌طور دائمی برچیند، درحالی که این موضوع برای ایران خط قرمز محسوب می‌شود و پذیرش آن از نظر تهران امکان‌پذیر نیست. فایننشال تایمز نوشته است که چالش اصلی در شرایط کنونی این

است که چگونه بن‌بست موجود به شکلی شکسته شود که هم رئیس‌جمهور غیر قابل پیش‌بینی آمریکا و هم ایران بتوانند، آبروی خود را حفظ کنند و از مواضع حداکثری عقب‌نشینی آشکار نداشته باشند.

این گزارش یکی از گزینه‌های مطرح شده را توافقی می‌داند که به‌طور صریح ایران را مجبور به صرف‌نظر از حق غنی‌سازی نکند اما در آن تهران با تعلیق نامحدود غنی‌سازی موافقت کند. به نوشته فایننشال تایمز، گفته می‌شود ایران از زمان پیوستن آمریکا به جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در ژوئن گذشته و بمباران سه تأسیسات اصلی هسته‌ای، غنی‌سازی انجام نداده و در نتیجه چنین توافقی عملاً تثبیت وضعیت موجود خواهد بود. با این حال، بازرسان هنوز دسترسی کامل به آنچه از برنامه باقی مانده ندارند و ریچارد نفیو، مذاکره‌کننده سابق آمریکا، گفته است که «چالش راستی‌آزمایی بزرگ‌ترین و از نظر فنی دشوارترین مانع برای توافق هسته‌ای در این مقطع است».

فایننشال تایمز همچنین نوشته است که تحلیلگران انتظار دارند، تهران مجبور شود ذخایر مواد شکافت‌پذیر خود ازجمله بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم نزدیک به درجه تسلیحاتی را منتقل کند و نظارت سختگیرانه بین‌المللی را بپذیرد. در گزارش یادآوری شده که ایران در توافق سال ۲۰۱۵ با دولت اوباما و قدرت‌های جهانی با محدودیت‌های مشابهی موافقت کرده بود. این توافق که به برجام معروف شد، سطح غنی‌سازی را بسیار پایین‌تر از حد لازم برای سلاح هسته‌ای و ذخیره اورانیوم غنی‌شده را به ۳۰۰ کیلوگرم محدود کرد اما این توافق پس از خروج ترامپ در سال ۲۰۱۸ فروپاشید. پس از آن، ایران سانتریفیوژهای پیشرفته نصب کرد و ذخیره اورانیوم غنی‌شده خود را به حدود ۱۰ هزار کیلوگرم رساند. خروج آمریکا از توافق و سپس پیوستن واشنگتن به جنگ اسرائیل در ژوئن گذشته درحالی که مذاکرات در جریان بود، دهه‌ها بی‌اعتمادی میان دو طرف را

را تقویت کند. اظهارات مقامات آمریکایی ازجمله جی‌دی ونس و مارکو رویو نیز نشان‌دهنده تلاش برای ارائه این طرح به‌عنوان جایگزین نهادهای بین‌المللی است. رویو صراحتاً ناکارآمدی سازوکارهای موجود را مطرح کرد و طرح غزه را الگویی برای حل بحران‌های دیگر دانست؛ رویکردی که به‌معنای تضعیف نقش سازمان ملل و سایر نهادهای چندجانبه در مدیریت بحران‌ها تعبیر می‌شود. این نگاه، در واقع بخشی از راهبرد کلان آمریکا برای بازگشت به دیپلماسی قدرت‌محور و ایجاد ساختارهای موازی با نهادهای بین‌المللی است. حضور استیو ویتکاف به‌عنوان فرستاده ویژه و تأکید بر نقش اسرائیل و شخص نتانیاوو نیز ابعاد سیاسی این ابتکار را برجسته می‌کند. تأکید بر خلع‌سلاح غزه، ایجاد نیروی پلیس انتقالی و استقرار نیروی ثبات بین‌المللی، نشان‌دهنده تلاش برای بازطراحی ساختار امنیتی این منطقه است؛ طرحی که اگر بدون مشارکت واقعی فلسطینی‌ها اجرا شود، می‌تواند به شکل جدیدی از قیمومیت خارجی تعبیر شود. در این چارچوب سخنان رئیس کمیته ملی اداره غزه درباره «یک حاکمیت و یک سلاح» به‌نوعی همسویی با الگوی مدنظر آمریکا و متحدانش تعبیر می‌شود.

عمیق‌تر کرد. در ادامه مقاله، گزینه دیگری نیز مطرح شده که پیش‌تر پیشنهاد شده بود و آن ایجاد یک «کنسرسیوم منطقه‌ای» خارج از خاک ایران است که به ایران و دیگر کشورها اجازه غنی‌سازی در سطح پایین برای مصارف غیرنظامی بدهد. با این حال، تهران تأکید کرده است که این طرح نمی‌تواند جایگزین برنامه داخلی‌اش باشد. کشورهای منطقه که میزان مذاکرات بوده و به‌شدت نگران سرریز شدن پیامدهای حمله آمریکا هستند، می‌گویند دولت ترامپ ممکن است در موضوع هسته‌ای انعطاف نشان دهد، هرچند کاخ سفید در این باره اظهارنظری نکرده است.

براساس گزارش فایننشال تایمز، تحلیلگران و دیپلمات‌ها معتقدند، ترامپ باید توافقی به‌دست آورد که بتواند ادعا کند از توافق ۲۰۱۵ فراتر است. دولت ترامپ گفته است، مذاکرات باید شامل مهار برنامه موشک‌های بالستیک ایران و پایان حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه‌ای نیز باشد اما ایران تأکید دارد که این موضوعات خارج از دستورکار است و تمرکز باید فقط بر برنامه هسته‌ای باشد. وزیر خارجه ترکیه نیز گفته است که قدرت‌های منطقه‌ای می‌توانند در رسیدگی به نگرانی‌ها درباره تهدید موشکی ایران نقش داشته باشند و افزوده که «در حال توسعه ایده‌های خلاقانه هستند».



در بخش دیگری از این گزارش آمده که برخی تحلیلگران معتقدند، تهدیدهای تشدید شده ترامپ پس از حوادث اخیر ایران همراه با استقرار نظامی آمریکا می‌تواند، شتابی ایجاد کند که مهارش دشوار باشد. همچنین تحلیلگران می‌گویند، توافق جامع به زمانی نیاز دارد که ایران شاید در اختیار نداشته باشد و به تخصص فنی‌ای که تیم مذاکره‌کننده ترامپ فاقد آن است. تاکنون تنها چند ساعت گفت‌وگوی غیرمستقیم انجام شده است، درحالی که دستیابی به برجام نزدیک به دو سال طول کشید.

فایننشال تایمز نوشته است که پس از ناکامی مذاکرات سال گذشته در جلوگیری از حمله ژوئن، تدریجاً ایران معتقدند بهترین راه جلوگیری از جنگ، نشان دادن این است که این بار آمریکا هزینه سنگینی خواهد پرداخت. به نوشته شبکه سی‌بی‌اس، دیپلمات‌ها به استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا، توصیه کرده‌اند برنامه هسته‌ای ایران را از مسائل دیگر مانند حمایت تهران از شبه‌نظامیانی که منافع آمریکا را هدف قرار می‌دهند و برنامه موشک‌های بالستیک جدا کند. دو مقام آمریکایی گفته‌اند، ویتکاف ظاهراً از ایده رسیدگی به این موضوعات در یک مسیر دیپلماتیک جداگانه با بازیگران منطقه‌ای

نکته قابل توجه دیگر، میزان مشارکت مالی و نظامی کشورهای مختلف است. تعهد قطر، امارات، عربستان، مراکش و ترکیه برای کمک مالی و اعزام نیرو، نشان‌دهنده رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای نقش‌آفرینی در آینده غزه است. در عین حال، مشارکت اندونزی با وعده اعزام هزاران نیروی نظامی، بیانگر تلاش کشورهای غیرغربی برای حضور در این فرآیند و جلوگیری از انحصار غربی در مدیریت بحران فلسطین است. با این حال، اختلاف دیدگاه‌ها درباره راه‌حل دو کشور و آینده حاکمیت فلسطین نشان می‌دهد که اجماع واقعی درباره چشم‌انداز سیاسی غزه هنوز شکل نگرفته است.

در سطح بین‌المللی، عدم پیوستن اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و احتیاط کشورهای اروپایی، مهم‌ترین نشانه از محدودیت مشروعیت این ابتکار است. این مسئله نشان می‌دهد که طرح ترامپ هنوز نتوانسته، حمایت قدرت‌های بزرگ را جلب

استقبال کرده است. با این حال، توافقی که تنها به برنامه هسته‌ای ایران بپردازد برای نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاوو، قابل قبول نیست و او علناً اعلام کرده که هر توافقی باید برنامه موشک‌های بالستیک ایران و شبکه نیروهای نیابتی منطقه‌ای آن را نیز شامل شود. در همین حال، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگویی با شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی اعلام کرده که در سه روز آینده پیش‌نویس پیشنهادی توافق هسته‌ای را نهایی خواهد کرد و پس از دریافت تأیید مسئولان بالادستی، آن را به آمریکا ارسال خواهد کرد. وی تصریح کرده است که واشنگتن از تهران نخواست که غنی‌سازی اورانیوم را به‌طور دائم کنار بگذارد همچنین تهران به واشنگتن پیشنهاد تعلیق موقت غنی‌سازی اورانیوم را نداده است. عراقچی گزارش‌هایی مبنی بر اینکه ایران ظاهراً پیشنهاد تعلیق غنی‌سازی اورانیوم به مدت دو تا سه سال داده یا اینکه ایالات متحده خواستار کنار گذاشتن کامل آن شده را نادرست دانسته است.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که دونالد ترامپ به‌تازگی اعلام کرده ۱۰ تا ۱۵ روز برای تصمیم‌گیری درباره حمله به ایران کافی است و این مدت را «تقریباً حداکثر» زمانی دانسته که به ایران برای رسیدن به توافق درباره برنامه هسته‌ای‌اش خواهد داد. ترامپ روز پنج‌شنبه به خبرنگاران در هواپیمای ایرفورس وان گفته است «یا به توافقی می‌رسیم یا اوضاع برای آنها ناخوشایند خواهد بود». ایران نیز به سازمان ملل گفته است که در صورت مواجهه با تجاوز نظامی، پایگاه‌ها، تأسیسات و دارایی‌های «نیروی متخاصم» در منطقه را اهداف مشروع تلقی خواهد کرد. نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، نوشته است که لفاظی‌های دونالد ترامپ «نشانه خطر واقعی تجاوز نظامی» است و در این نامه همچنین تأکید شده است که اگرچه ایران خواهان جنگ نیست اما در صورت هرگونه تهاجم نظامی، نیروهای مسلح کشور «قاطعانه» پاسخ خواهند داد.

در بخش دیگری از گزارش آمده که علاوه بر کشورهای منطقه، اروپایی‌ها نیز با اقدام نظامی علیه ایران مخالف هستند. روزنامه تایمز گزارش داده است که انگلیس با اینکه آمریکا از پایگاه‌های نیروی هوایی این کشور برای حمله نظامی احتمالی به ایران بهره‌برد، موافقت نکرده است. این موضوع به نوبه خود باعث شد، دونالد ترامپ حمایت خود را از توافق قبلی برای واگذاری جزیره جاگوس به موریس پس بگیرد. جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا نیز در مصاحبه با اسکای نیوز گفته که از یک‌سوی باید اطمینان حاصل شود ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند اما از سوی دیگر در این مرحله پیدا کردن یک توافق و جلوگیری از ایجاد عواملی که می‌توانند وضعیت را پیچیده‌تر و خطرناک‌تر کنند، بسیار مهم است.

این گزارش خبری نشان می‌دهد که مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا در شرایطی حساس و پرتنش دنبال می‌شود؛ شرایطی که هم‌زمان با تحركات نظامی گسترده آمریکا و تهدیدهای صریح رئیس‌جمهور این کشور، تلاش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به توافق نیز ادامه دارد و آینده این مسیر همچنان با ابهامات جدی و خطر تشدید تنش‌های منطقه‌ای همراه است.



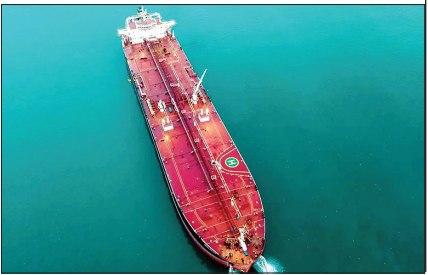
کند و ممکن است به یک ابتکار موازی با نظم موجود تبدیل شود نه جایگزین آن. این وضعیت می‌تواند به چندپارگی بیشتر در نظام بین‌الملل و رقابت میان سازوکارهای مختلف مدیریت بحران منجر شود. در مجموع، «شورای صلح غزه» بیش از آنکه صرفاً یک پروژه صلح‌سازی باشد، تلاشی برای بازسازی معماری قدرت در خاورمیانه و نظام بین‌الملل است. اگرچه کمک‌های مالی و وعده‌های بازسازی می‌تواند، امیدهایی در میان مردم غزه ایجاد کند اما غیبت نمایندگان واقعی فلسطینی و ابهام در مورد تضمین حق تعیین سرنوشت آنان، این ابتکار را با چالش مشروعیت جدی مواجه کرده است. آینده این شورا به میزان توانایی آن در ایجاد توازن میان منافع قدرت‌های بزرگ، کشورهای منطقه و حقوق بنیادین ملت فلسطین وابسته خواهد بود؛ توافقی که تحقق آن در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری دشوار به‌نظر می‌رسد.

دیپلماسی

دانمارک کشتی ایرانی را توقیف کرد

ثبت‌نام نامعتبر دلیل بازرسی

اداره دریانوردی دانمارک روز پنج‌شنبه ادعا کرد یک کشتی کانتینری با پرچم ایران که در آب‌های این کشور لنگر انداخته بود را به اتهام آنچه که «ثبت‌نام نامعتبر» خواند، توقیف و بازرسی کرده است. این کشتی که بنا به داده‌های «ال‌اس‌ای‌جی» با نام «نورا» فعالیت می‌کند، ابتدا با پرچم کومور در حال تردد بود اما کومور به دانمارک اطلاع داد که این شناور در فهرست ثبت کشتی‌های این کشور وجود ندارد. اداره دریانوردی دانمارک در ایمیلی به «رویترز» اعلام کرد: «این کشتی تا زمانی که یک دولت صاحب پرچم بتواند به اداره دریانوردی دانمارک ثابت کند که شناور به‌طور رسمی ثبت و کاملاً گواهی شده است، توقیف خواهد ماند». این نهاد افزود پیش از آزادی کشتی، یک بازرسی بندری نیز انجام خواهد شد. اداره دریانوردی بعداً اعلام کرد این بازرسی انجام شده و نقص ایمنی قابل‌توجهی شناسایی نشده است. مطابق با ادعای رویترز، داده‌های ال‌اس‌ای‌جی نشان می‌دهد «نورا» اکنون تحت پرچم ایران ثبت شده است. براساس گزارش شبکه دانمارکی «تی‌وی ۲» که نخستین‌بار این ادعا را منتشر کرد این کشتی روز چهارشنبه پرچم خود را از کومور به ایران تغییر داده است. رویترز نتوانست به‌طور مستقل زمان دقیق این تغییر را تأیید کند. براساس داده‌های ال‌اس‌ای‌جی، نورا همان شماره سازمان بین‌المللی دریانوردی را دارد که پیش‌تر متعلق به کشتی‌ای با نام «سروس» بوده است؛ یک کشتی کانتینری که در فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد. شماره‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی، شناسه‌های دائمی کشتی‌ها هستند که بدون توجه به تغییر نام یا تغییر پرچم ثابت می‌مانند. به گزارش «تی‌وی ۲» این کشتی طی ۲۵ روز گذشته بدون فعالیت در محل باقی مانده است. در چند هفته اخیر اخباری مبنی بر توقیف حداقل چند کشتی نفت‌کش مربوط به ایران در رسانه‌ها منتشر شده است. یک نفتکش توسط ارتش آمریکا در اقیانوس هند توقیف شد، کشور هند اخیراً سه نفتکش دیگر را توقیف کرده و پیش از آنها هم مالزی چند نفتکش که مشغول انتقال نفت کشتی به کشتی بودند را توقیف سپس با اخذ وثیقه چند ده هزار دلاری آزاد کرد.



گزارش: سینمای جهان

بازگشت اسطوره

همه‌چیز درباره «اودیسه» نولان



یونیورسال پیکچرز نخستین تریلر فیلم «اودیسه» را منتشر کرده است؛ اقتباس جاه‌طلبانه کریستوفر نولان از حماسه کلاسیک اودیسه که نگاهی اولیه به این اثر حماسی پیش از اکران سینمایی‌اش در ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۶ ارائه می‌دهد. در این فیلم، مت دیمون در نقش اودیسه‌وس، پادشاه ایتاکا، ظاهر می‌شود. قهرمانی که پس از جنگ تروا، سفری پرخطر را برای بازگشت به خانه آغاز می‌کند. تیزر بر بقا در دریا تأکید دارد: توفان‌های سهمگین، کشتی‌های درهم‌شکسته و خطراتی که از هر سو کمین کرده‌اند، جایگزین نمایش‌های طولانی هیولاها شده‌اند. در جایی از تریلر، اودیسه‌وس درباره بهای جنگ تأمل می‌کند و می‌گوید: «بعد از سال‌ها جنگ، هیچ‌کس نمی‌توانست بین مردان و خانه بایستد، حتی خودم». در تصاویر کوتاهی، تام هالند در نقش تلماخوس، پسر اودیسه‌وس، و آن هاتسوی در نقش پنلوپه، همسر او، معرفی می‌شوند. در گفت‌وگویی آرام، پنلوپه می‌گوید: «قول بده برمی‌گردد»، و اودیسه‌وس پاسخ می‌دهد: «اگر نتوانم چه؟» با اینکه تهدیدهای اسطوره‌ای مانند پولیفم سیکلوپ، سیرن‌ها، سیرسه و کالیپسو در شعر اصلی هومر نقشی محوری دارند، تریلر بیش از هر چیز بر فرسایش عاطفی و جسمی این سفر تمرکز می‌کند. بازیگران فیلم همچنین شامل رابرت پتینسون، زندایا، لویپتا نیونگو، شارلیز ترون، میا گاث، جان برتال، بنی سفدی و جان لگویرامو است که بسیاری از آنها هنوز در تصاویر دیده نشده‌اند. «اودیسه» با استفاده از فناوری تازه‌توسعه‌یافته فیلمبرداری آی‌مکس و در لوکیشن‌های متعددی در سراسر جهان ساخته شده و از هم‌اکنون تقاضای عظیمی ایجاد کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ده‌ها میلیون بلیت آی‌مکس در زنجیره‌های بزرگ سینمایی پیش‌فروش شده‌اند.
باین‌حال پس از انتشار تیزرها و اسپات‌های تازه، هیجان پیرامون فیلم بعدی کریستوفر نولان پس از موفقیت تحسین‌شده و پرفروش اوپنها임ر که اسکار بهترین کارگردانی را برای او به ارمغان آورد، هر روز بیشتر می‌شود.

درباره اودیسه اثر هومر

اودیسه اثر کلاسیک هومر در ۲۴ کتاب تنظیم شده و پس از ایلیاد می‌آید. داستان، سفر ده‌ساله اودیسه‌وس، پادشاه ایتاکا، برای بازگشت به خانه پس از جنگ ترواست؛ سفری پرخطر که با هلاکت یارانش همراه می‌شود. تلماخوس (پسر اودیسه‌وس)، پنلوپه (همسرش)، آتنا، سیرسه، پوزیدئون و زئوس از شخصیت‌های محوری این حماسه‌اند. مورخان و پژوهشگران تاریخ نگارش «اودیسه» را حدود ۷۵۰ تا ۶۵۰ پیش از میلاد می‌دانند و نخستین چاپ یونانی آن در ۱۴۸۸ منتشر شد. در قرن‌ها بعد، این اثر از پر مطالعه‌ترین و پراقتباس‌ترین داستان‌ها بوده است. ازجمله اقتباس‌ها می‌توان به فیلم صامت ۱۹۱۱ ساخته جوزپه دی لیگورو، فیلم «اولیسس» (۱۹۵۴) با بازی کرک داکلاس و کمدی «برادر، کجایی؟» (۲۰۰۰) از برادران کوفن اشاره کرد. یونیورسال پیکچرز نخستین تصویر رسمی را در شبکه ایکس با این کیشن منتشر کرد: «مت دیمون در نقش اودیسه‌وس. فیلمی از کریستوفر نولان. اودیسه ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۶ روی پرده‌ها». پس از آن، چند پوستر هم منتشر شد ازجمله یکی از آنها با شعار «در برابر خدایان بایست».

آخرین تصویرها از فیلم

واقعیت این است که تیزر ۷۰ ثانیه‌ای که مخصوص اکران سینمایی بود، در تیک‌تاک و ایکس لو رفت. این رویکرد با تأکید همیشگی نولان بر تجربه سالن سینما هم‌خوان است. در تیزر، اودیسه‌وس دیمون و تلماخوس هالند دیده می‌شوند. تریلر بلندتر در دسامبر منتشر شد و سفر پرخطر و کشتی شکستگی اودیسه‌وس را نشان می‌دهد. «اودیسه» نخستین فیلمی است که به‌طور کامل با دوربین‌های آی‌مکس فیلمبرداری شده؛ امضایی که در آثار اخیر نولان به‌وضوح دیده می‌شود. نولان در گفت‌وگو با مجله امپایر فاش کرد که در جریان ساخت فیلم «اودیسه» بیش از ۲ میلیون فوت نگاتیو فیلمبرداری کرده است. پروژه‌ای که اوایل امسال و طی ۹۱ روز جلوی دوربین رفت. این فیلم اقتباس نولان از حماسه یونانی هومر است و پس از اوپنهایمر اثری که اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را برای نولان به ارمغان آورد، ساخته می‌شود. به گفته شرکت کداک، هر فوت نگاتیو ۶۵ میلی‌متری ۱.۵ دلار قیمت دارد و این یعنی فیلم نولان حدود ۳ میلیون دلار فقط هزینه نگاتیو داشته است. او درباره اینکه چرا تصمیم گرفت «اودیسه» هومر را به فیلم تبدیل کند، گفت: «به‌عنوان یک فیلمساز، همیشه دنبال شکاف‌ها در فرهنگ سینمایی هستی، چیزهایی که تا حالا انجام نشده‌اند. چیزی که من دیدم این بود که با وجود تمام آثار سینمایی اسطوره‌ای بزرگی که با آنها بزرگ شده بودم، از فیلم‌های ری هری‌هاوزن گرفته تا کارهای دیگر، هرگز ندیده بودم این دنیاها با آن وزن و اعتبار، در مقیاس یک پروژه پر هزینه هالیوودی درجه‌یک ساخته شوند... اودیسه تلاش نولان برای بردن یک اسطوره کهن به قلمرو سینمای مدرن است. تلاشی که از همین حالا با اعداد و ابعاد تولیدش، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بخشی از فیلم در سیسیل تصویربرداری شده ازجمله جزیره فایوگنانا که برخی آن را محل فرود اودیسه‌وس می‌دانند. دیگر لوکیشن‌ها شامل یونان، ایتالیا، بریتانیا، ایسلند، مراکش، اسکاتلند، ایرلند و استودیوهای هالیوود است. پروژه‌ای که واقعاً جهانی است. نولان نویسنده و تهیه‌کننده است و با شریک دیرینه‌اش اما توماس دوباره همکاری می‌کند.



لنگرود)، مرتضی آخرتی (خراسان رضوی، نیشابور)، فاطمه بیرانوند (تهران، تهران)

ترانه: با داوری لیلا کردیچه، رضا عبداللهی و علیرضا بدیع

برگزیدگان: سامی تحصیلداری (تهران، تهران)، معصومه صاحبی (خراسان رضوی، مشهد)
شایستگان تقدیر: فروغ تنگاب جهرمی (فارس، جهرم)، نجمه باقی‌پور (خوزستان، مسجدسلیمان)، رضا نیکوکار (گیلان، رشت)

قدردانی از کنش‌گران فرهنگی

در نهایت، در این مراسم از چند تن از کنش‌گران فرهنگی فعال در عرصهٔ نیکوکاری تقدیر ویژه‌ای به‌عمل آمد. کنش‌گر برگزیدهٔ نخست سمیه میهن‌خواه؛ دهیار و معلم یکی از روستاهای سیستان‌و‌بلوچستان بود که سال‌هاست با وجود دشواری‌های فراوان برای زنان منطقه به ترویج کتاب‌خوانی میان کودکان پرداخته و کتابخانه‌ای محلی تأسیس کرده است. میهن‌خواه بعد از دریافت تندیس و لوح تقدیر خود گفت: «می‌خواهم شعری را بخوانم که به آن باور دارم: تو برگ به آب انداز کوچ مشمار آن راشاید که نجات افتد زنبور غریقی را.» خسرو باباخانی، مدرس داستان و نویسنده کتاب معروف «ویولن‌زن روی پل»، کنش‌گر برگزیدهٔ دوم بود. او نویسنده‌گان بسیاری را پرورش داده و زمینه‌ساز نجات بسیاری از مبتلایان به اعتیاد از مصرف مواد مخدر شده است باباخانی از نجات خود از اعتیاد و عه‌دی گفت که برای نجات انسان‌هایی با شرایط مشابه خود بسته و در ادامه گفت: «باید از همه عزیزان خیر ایران تشکر کنم. در زندگی‌ام مدیون افرادی زیادی هستم که نوشتن کتاب «ویولن‌زن روی پل» نمی‌تواند همهٔ آن‌ها را ادا کند. سه ماه است ماه پشت ابر مانده و وضعیت رضا امیرخانی ما را از تعادل زندگی خارج کرده است. برایش دعا کنید همین ماه رمضان سر پا بایستد.»

بهرروز افروز، سومین و واپسین کنش‌گر فرهنگی برگزیدهٔ این نشست بود. از جمله فعالیت‌های او برگزاری ۳۰۰ نشست «غزل سپید» برای شاعران روشن‌دل است. این کنشگر فرهنگی لوح تقدیر خود را به خط بریل دریافت کرد و با خواندن ابیاتی از شاهنامه از میزبانان جشنوارهٔ ادبی خیر ایران قدردانی کرد:
فریدون فرخ فرشته نبود / ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت این نیکویی / تو داد و دهش کن، فریدون تویی
مراسم اختتامیهٔ دومین جشنوارهٔ نیکوکاری خیر ایران، با ثبت عکس‌های یادگاری و گفت‌وگوی حاضران با برگزیدگان و فعالان نیکوکاری به پایان رسید.

اعلام‌شده به تفکیک هر حوزه به شرح زیر است:

شعر کودک: با داوری مصطفی رحمان‌دوست، مریم اسلامی و انسیه موسویان

برگزیدگان: سمیره بروانیا (فارس، زرین‌دشت)، زهرا داوری (خراسان شمالی، بجنورد)
شایستگان تقدیر: زهرا توقع همدانی (تهران، تهران)، اسماعیل الهه‌دادی (لرستان، بروجرд)، عاطفه بیات (خراسان رضوی، مشهد)

شعر نوجوان: با داوری مصطفی رحمان‌دوست، مریم اسلامی و انسیه موسویان

برگزیدگان: نجمه باقی‌پور (خوزستان، مسجدسلیمان)، مریم زرنشان (همدان، همدان)
شایستگان تقدیر: سمیه تورجی (فارس، شیراز)، علیرضا بیابانی بیدگلی (اصفهان، آران و بیدگل)

داستان کودک: با داوری مرجان فولادوند، مژگان کلهر و حمیدرضا شاه‌آبادی

برگزیدگان: مرتضی شمس‌آبادی (مازندران، ساری)، منیره هاشمی (خراسان رضوی، مشهد)
شایستگان تقدیر: الهام صادقی (اصفهان، گلدشت)، راحله‌السادات غضنفری (تهران، تهران)، طویه شجاعی (کرمان، کرمان)

داستان نوجوان: با داوری مرجان فولادوند، مژگان کلهر و حمیدرضا شاه‌آبادی

برگزیدگان: ثریا آقایی (کهگیلویه و بویراحمد، لنده)، مهسا سهرابی (زنجان، زنجان)، هانیه باقری (کرمان، کرمان)

شایستگان تقدیر: فاطمه خوشنود (تهران، تهران)، فاطمه املانی (اصفهان، خمینی‌شهر)

داستان بزرگسال: با داوری قاسمعلی فراست، محمدرضا شرفی خوششان، شیوا مقانلو و حمیدرضا محمدی

برگزیدگان: فائقه درویش (تهران، تهران)، زینب فکازیدان (خراسان رضوی، مشهد)
شایستگان تقدیر: مبارکه اکبرینا (تهران، تهران)، فاطمه آزادی (زنجان، زنجان)، فاطمه تاج‌مزیانی (تهران، تهران)

خاطره و تجربه‌نگاری: با داوری مکرمه شوشتری، حمید بابایی و احسان رضایی

برگزیدگان: مطهره طاهری (تهران، تهران)، مرضیه اعتمادی (تهران، تهران)

شایستگان تقدیر: فاطمه ربیعی (سمنان، شاهرود)، فاطمه املانی (اصفهان، خمینی‌شهر)، فاطمه ربیعی (قم، قم)

شعر بزرگسال: با داوری اسماعیل امینی، فاطمه سالاروند و حمیدرضا شکارسری

برگزیدگان: زهرا سیه‌کار (اصفهان، اصفهان)، میثم داوودی (قم، قم)

شایستگان تقدیر: نجمه باقی‌پور (خوزستان، مسجدسلیمان)، طویه عباسی (گیلان،

شناسه آگهی ۲۱۳۲۹۷۲

شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۰۵۶۹۱۰۰۰۰۵

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

مناقصه عمومی یک مرحله ای عملیات اجرایی پروژه تکمیل محوطه سازی و مسیر ورودی فرودگاه اهواز

شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (یکپارچه) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای عملیات اجرایی پروژه تکمیل محوطه سازی و مسیر ورودی فرودگاه اهواز ۲۰۰۴۰۰۵۶۹۱۰۰۰۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ می باشد.

شناسه آگهی ۲۱۳۰۴۷۹

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی (فشرده)

شرکت ملی بخش فرآورده های نفتی ایران منطقه بوشهر در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به صورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) تأمین نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۱۹۸۹۰۰۰۰۲۴
موضوع مناقصه	تعمیرات، رنگ آمیزی و اجرای سیستم فومینگ کولینگ مخزن ۱۵ انبار نفت شهید غربیی بوشهر
مبلغ برآورد	۱۱۰/۷۸۸/۰۶۲/۴۵۳ ریال
مبلغ تضمین	۵/۵۲۸/۹۰۳/۱۲۳ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	یکی از تضمین‌های قابل قبول آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۰۹/۲۲ و به مبلغ اعلامی فوق در صورت واریز نقدی به شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۴۰۰۰ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۴۸۲۹۱ قابل واریز در شعب بانک ملی به نام شرکت ملی بخش فرآورده های نفتی بوشهر یا ضمانتنامه معتبر بانکی آن براساس فرمت مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی.
تاریخ انتشار در سامانه ستاد	روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ ساعت ۱۲ ظهر
تاریخ و محل جلسه توجیهی / بازدید	روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ ساعت ۱۰ صبح
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد	روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ ساعت ۱۲ ظهر
تاریخ و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی	روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ ساعت ۸ صبح
تاریخ و مکان بازگشایی پاکات الف، ب، ج	روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۷ ساعت ۱۰ صبح

بدیهی است کلیه فرآینده برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضا الکترونیکی اقدام نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

شرکت ملی بخش فرآورده های نفتی ایران منطقه بوشهر

بازار سهام

اوج ریسک

چرا بازار سهام ریزش قابل‌توجهی را تجربه کرد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام درحالی یازدهمین ماه سال را به پایان رساند که همچنان تحت‌تأثیر ریسک‌های سیاسی قرار داشت. وزن معادلات نظامی و سیاسی در بورس تهران به‌قدری افزایش یافت که همچنان نماگرهای سهامی در مقایسه با سایر بازارها بازدهی پایین‌تری را به ثبت رسانده‌اند. شاخص کل بورس در بهمن‌ماه امسال کاهش ارتفاع ۱۵درصدی را به ثبت رسانده است. این میزان، بیشترین بازدهی منفی ماهانه طی ۵ سال اخیر است. آخرین بار شاخص اصلی بازار سهام در دی‌ماه سال ۱۳۹۹ با بازدهی منفی ۲۰ درصدی مواجه شد. از ابتدای سال نیز بازدهی این نماگر تنها ۴۰درصد گزارش می‌شود.

بورس تهران در بهمن‌ماه تحت‌تأثیر تهدیدهای سیاسی نظامی میان ایران و آمریکا از سقف ۴/۵ میلیون واحدی فاصله گرفت. هرچند در میانه بهمن، سعی داشت با اخبار مذاکرات، مرز روانی چهار میلیون واحد را حفظ کند اما به‌نظر می‌رسد، بازار سرمایه منتظر نتیجه قطعی از دیدارهای تهران و واشنگتن باشد چراکه همچنان اهالی بورس برای کلیک بر دکمه خرید احتیاط به خرج می‌دهند. ارزش معاملات خرد طی یک ماه اخیر به کف ۷ همت نیز رسید و این رقم نشان می‌دهد هنوز بازار آماده یک نوسان بزرگ مثبت نیست. حقیقی‌ها نیز در بهمن‌ماه حدود ۲۴ همت از بازار سهام خسارج کردند. این میزان تقریباً برابر با جریان پولی است که از کف بازار در ۸ شهریور امسال تا ۲۹ دی یعنی سقف شاخص کل وارد بازار شده بود. به‌عبارت بهتر، حقیقی‌ها تمام آنچه در رالی اخیر وارد بازار کردند را پس گرفتند.

شاخص بورس با نزدیک به کف کانال ۳/۸ میلیون واحدی با P/E حدود ۶/۹۷ واحدی در حال معامله است. هرچند این محدوده می‌تواند، نقطه عطف مناسبی برای ورود پول به بازار باشد اما ابهامات پیرامون بازار سرمایه احتمالاً مانع از آن خواهد شد تا چرخش مهمی به وقوع بپیوندد. احتمال آن وجود دارد که بازار نیم‌نگاهی به حمایت ۳/۵ میلیون واحدی نیز داشته باشد. جایی که P/E بورس به نزدیکی ۶ واحد خواهد رسید. این عدد می‌تواند، حمایت مهمی به لحاظ بنیادی باشد. البته هنوز تصمیمات سرمایه‌گذاران به تحولات منطقه گره خورده است.

بازار ارز نیز در هفته گذشته با نوسانات محتاطانه و در عین حال حساس نسبت به اخبار سیاسی و جهانی مواجه شد. قیمت دلار آزاد از ۱۶۳ هزار تومان در ابتدای هفته به حدود ۱۶۱ تا ۱۶۲ هزار تومان کاهش یافت سپس با انتشار سیگنال‌های مثبت مذاکراتی با آمریکا به محدوده ۱۶۱ تا ۱۶۲ هزار تومان بازگشت. این تغییرات نشان می‌دهد که بازار بیش از آنکه تحت‌تأثیر عوامل بنیادی باشد، تحت‌فشار انتظارات و رفتار احتیاطی معامله‌گران قرار داشته است. بازدهی هر برگ اسکناس آمریکایی در بازار آزاد طی بهمن‌ماه بازدهی ۱۱ درصدی را برای فعالان بازار ارز به ارمغان آورده است.

بازار داخلی تحت‌تأثیر دو نیروی متضاد قرار داشت. از یک‌سو کاهش هیجان ناشی از افت حجم معاملات در روزهای پایانی هفته و نزدیکی نرخ دلار رسمی به بازار آزاد باعث عقب‌نشینی محتاطانه شد؛ از سوی دیگر، اظهارات سیاسی و تحولات مذاکرات ایران و آمریکا، انتظارات معامله‌گران را دستخوش تغییر کرده و موجب نوسانات محدود قیمت‌ها شد. اعلام آمادگی مقامات آمریکایی برای پیگیری مسیر دیپلماتیک، تأکید بر منافع مشترک اقتصادی و ورود میانجی‌ها مانند روسیه و چین همگی امیدها به پیشرفت مذاکرات را تقویت کرده و بخشی از تقاضای احتیاطی را کاهش داد. با این حال هشدارها درباره تداوم تحریم‌ها و عدم قطعیت در نتیجه مذاکرات، سطحی از ریسک سیاسی را در بازار حفظ کرده و مانع از شکل‌گیری موج فروش گسترده شد.

همچنین شکاف ۱۸ درصدی میان نرخ آزاد و حواله دلار نشان داد که بازار هنوز ریسک سیاسی و عدم قطعیت در مسیر مذاکرات را به‌طور کامل تخلیه نکرده است. این فاصله به معامله‌گران سیگنال می‌دهد که سیاست تک‌نرخ‌ی شدن ارز هنوز در کوتاه‌مدت تحقق نیافته و بازار محتاطانه رفتار می‌کند. به این ترتیب، بازار ارز و طلا در وضعیت انتظار فعال قرار گرفته است و نشانه‌ای از ریزش شدید دیده نمی‌شود. اما سیگنال قطعی برای رشد قیمتی وجود نداشت. جهت‌گیری بعدی قیمت‌ها عمدتاً به مسیر طلای جهانی و نتایج مذاکرات سیاسی بستگی دارد و هر خبر تازه، چه مثبت و چه منفی، می‌تواند به‌سرعت جهت بازار را تغییر دهد. بازارها در این مقطع با رفتار محتاطانه و نوسانات محدود در دامنه‌ای تثبیت شده، حرکت می‌کنند.

شکاف عمیق

چرا اقتصاددانان و دولت چهاردهم به تفاهم نمی‌رسند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

فاصله میان دولت چهاردهم و اقتصاددانان مستقل بیش از آنکه به اختلاف‌نظرهای مقطعی مربوط باشد، ریشه در شکافی عمیق‌تر میان منطق سیاست‌ورزی و منطق علم اقتصاد دارد. در هفته‌های اخیر، روایت‌های متناقض از دیدارها و توصیه‌های اقتصادی، بار دیگر رابطه پرتش میان دولت چهاردهم و اقتصاددانان مستقل را به کانون توجه آورده است. رابطه‌ای که نه به تقابل علنی انجامیده و نه به همکاری مؤثر. اقتصاددانان کمتر موضع‌گیری تند می‌کنند اما نشانه‌ای هم از اثرگذاری جدی دیدگاه‌هایشان در تصمیم‌های اجرایی دیده نمی‌شود.

مسعود پزشکیان اخیراً گفته «روز اول که مسئولیت را برعهده گرفتیم، جمعی از اقتصاددانان آمدند گفتند باید این کار را انجام دهید و آن کار را انجام دهید، به آنان گفتیم من یک ماه‌و نیم دیگر به مجلس لایحه بودجه را می‌دهم، بروید در گروه خودتان کار کنید تا بمرم به مجلس و پولش را بگیرم و این موارد را هزینه کنم؛ رفتند و نیامدند. بعد کنار گود می‌ایستند و می‌گویند چرا این پول را نمی‌دهی؟ اول بگو از کجا پول را بیاورم بعد من هزینه می‌کنم». به‌نظر می‌رسد این روایت یا نادرست است یا افرادی که آقای پزشکیان به آنها اشاره می‌کند، اقتصاددان نبوده‌اند. اصولاً

کار اقتصاددانان این نیست که بگویند «چرا پول نمی‌دهی؟» برعکس به دلیل کسری بودجه معمولاً منتقد دولت‌ها هستند که چرا بی‌محابا هزینه می‌کنند. اینکه رئیس‌جمهور می‌گوید «از کجا پول بیاورم؟» به ادبیات اقتصاددانان نزدیک‌تر است تا اینکه بگویند چرا پول خرج نمی‌شود. در سال‌های اخیر بسیاری از اقتصاددانان دیگر تمایلی به دیدار با سیاستمداران ندارند چراکه تا ماه‌ها پس از هر جلسه، سخنگویان دولت از آن بهره‌برداری می‌کنند و سیاست‌هایی که لزوماً مورد تأیید اقتصاددانان نیست را با استناد به عکس‌های یادگاری آنها با مقامات دولتی به افکار عمومی می‌فروشند.

از میان اقتصاددانان مستقل موسی غنی‌ژاد، محمد مهدی بهکیش، داود سوری، محمد طبیبیان و حسن درگاهی هیچ‌گاه با مسعود پزشکیان دیدار نداشته‌اند، مسعود نیلی هم پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، تنها یک‌بار مسعود پزشکیان را دیده که از این دیدار هم ابراز پشیمانی کرده است چراکه سخنگوی دولت، موضوعی اشتباه را به او نسبت داده است. اخیراً مسعود نیلی در واکنش به سخنان خانم فاطمه مهاجرانی گفته است: «سخنگوی محترم دولت، سرکار خانم دکتر مهاجرانی اخیراً در اظهارنظری با ارجاع به جلسات رئیس‌جمهور محترم با اقتصاددانان می‌فرمایند که چند نفر از حاضران در جلسه، از جمله بنده، توصیه کرده‌ام که دولت ارز ترجیحی را حذف کرده و عواید آن را به مصرف‌کننده نهایی

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

طبق برآورد مرکز آمار ایران در پاییز ۱۴۰۴ حدود ۲۴ میلیون و ۸۵۷ هزار نفر به کار اشتغال داشته‌اند که ۳۷/۵ درصد از جمعیت در سن کار ۱۵ ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر ۶۲/۵ درصد از جمعیت در سن کار یا اصلاً وارد بازار کار نشده‌اند یا اگر شده‌اند، موفق به یافتن شغل نشده‌اند. بخشی از جمعیت شاغل، درآمدی که تأمین‌کننده حداقل معاش باشد را کسب نمی‌کنند و به همین دلیل نسبت‌های فقر در ایران سطوح بالایی را تجربه می‌کنند. از همین تعداد، افراد شاغل نیز حدود دو میلیون نفر دارای اشتغال ناقص بوده‌اند،

پرداخت کند. سپس اشاره می‌کنند که دولت همین توصیه را به جلسه سران قوا برد و در آنجا تأیید نشد. اما درز این خبر به بیرون باعث افزایش نرخ ارز شد و در نهایت دولت به این جمع‌بندی رسید که حفظ ارز ترجیحی مناسب‌ترین اقدام است».

نیلی در ادامه توضیح داده است: «لازم دانستم، توضیح دهم که اولاً فقط در نخستین جلسه شرکت کردم و در جلسات بعدی حضور نداشتم. ثانیاً صرف‌نظر از نگاه خودم به سیاست‌های ارزی در شرایط جاری کشور، در همان جلسه نیز هیچ اشاره‌ای به سیاست‌های ارزی، از جمله ارز ترجیحی، نکردم. سخنانم ناظر به مباحثی مهم‌تر و راهبردی‌تر بود و اساساً ارتباطی با نرخ ارز نداشت. ثالثاً مدتی است، تصمیم گرفته‌ام هیچ توصیه سیاستی به مسئولان محترم ارائه نکنم».

او همچنین در گفت‌وگو با «تجارت فردا» این موضوع را



روشن‌تر بیان کرده و گفته است: «هیچ ارتباطی با دولت ندارم و صرفاً آقای پزشکیان را در یک جلسه دیدم که تعداد زیادی از اقتصاددانان حضور داشتند. به اصرار دوستان در آن جلسه شرکت کردم و در نشست‌های بعدی حضور نیافتم. امروز هم می‌گویم همان یک جلسه را اشتباه کردم که رفتم؛ چون پس از آن، نقل‌قولی از من منتشر شد که کاملاً نادرست بود. من در آن جلسه اساساً در باره ارز هیچ سخنی نگفتم و توصیه‌ای نداشتم». مسعود نیلی بارها توضیح داده است که از پنجم اردیبهشت ۱۳۹۷، یعنی زمان خروج از دولت دوم حسن روحانی، دیگر خود را در جایگاه سیاستگذار نمی‌داند. مخاطب او سیاستگذاران نیستند و تمرکز خود را بر افزایش آگاهی عمومی نسبت به مسائل اقتصادی گذاشته است. او می‌کوشد مفاهیم اقتصادی را تا حد امکان به زبان ساده برای مردم توضیح دهد. نیلی گفته: «تنها صحبت من مربوط به بودجه بود که در نامه اخیر اقتصاددانان به رئیس‌جمهور آمده است. من همان سه بند نامه را در آن جلسه گفتم و نسبت به روند فرآینده تورم هم هشدار دادم. چون از طرف دولت مطرح شد که قصد کاهش تورم را دارند، گفتم اگر دولت بتواند سال آینده همین تورم کنونی را حفظ کند هم بسیار هنر کرده است». رابطه اقتصاددانان مستقل با دولت چهاردهم، رابطه خوبی نیست. البته اقتصاددانان کمتر علیه دولت اظهارنظر می‌کنند اما این‌گونه نیست که در دولت کسی به توصیه‌های آنها گوش

کند. این وضعیت موجب شده، فاصله‌ای معنادار میان بدنه کارشناسی مستقل و ساختار اجرایی کشور شکل بگیرد. در چنین شرایطی، نه ظرفیت علمی اقتصاددانان به‌درستی به کار گرفته می‌شود و نه امکان گفت‌وگوی سازنده و مستمر میان دولت و جامعه کارشناسی فراهم است. از یک‌سو اقتصاددانان تمایلی ندارند، هزینه تصمیم‌هایی را بپردازند که در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند و از سوی دیگر، دولت نیز ظاهراً ترجیح می‌دهد، مسئولیت سیاست‌های اتخاذ شده را به‌طور کامل بر عهده بگیرد بی‌آنکه در فرآیندی شفاف و نظام‌مند از نظرات مستقل بهره ببرد.

تداوم این روند می‌تواند به تضعیف اعتماد متقابل بینجامد؛ اعتمادی که برای مواجهه با چالش‌های پیچیده اقتصادی، از تورم و کسری بودجه گرفته تا بحران‌های ساختاری عمیق‌تر، سرمایه‌ای ضروری به‌شمار می‌رود. بدون شکل‌گیری یک گفت‌وگوی نهادمند، صریح و مبتنی بر شفافیت، امکان بهره‌گیری از دانش تخصصی در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی دشوار خواهد بود. به‌طور کلی حتی سیاستمدارانی که مدافع عملکرد صحیح اقتصاد و توسعه هستند نیز معمولاً رابطه‌ای بی‌تش با اقتصاددانان ندارند. سیاستمداران اغلب به‌دنبال افرادی هستند که به آنها بگویند چه اقداماتی انجام دهند اما اقتصاددانان در بسیاری از موارد توصیه می‌کنند که از برخی اقدامات پرهیز شود یا دست‌کم با احتیاط بیشتری عمل کنند. در واقع بخش قابل‌توجهی از توصیه‌های اقتصادی ناظر بر «خودداری» است؛ خودداری از مداخله‌های شتاب‌زده، هزینه‌های بدون پشتوانه، قیمت‌گذاری‌های دستوری یا سیاست‌های کوتاه‌مدتی که آثار بلندمدت منفی بر جای می‌گذارند. همین تفاوت رویکرد، گاه به سوء تفاهم یا فاصله میان سیاستمداران و اقتصاددانان می‌انجامد.

آنچه از این روایت‌ها و مواضع برمی‌آید صرفاً اختلافی شخصی یا سوء تفاهمی مقطعی نیست بلکه نشانه‌ای از فاصله‌ای ساختاری میان دولت و جامعه اقتصاددانان مستقل است. از یک‌سو دولت انتظار دارد، توصیه‌هایی عملی و قابل اجرا دریافت کند که بتواند در کوتاه‌مدت به نتیجه برسد. از سوی دیگر، اقتصاددانان بیش از هر چیز بر محدودیت منابع، پیامدهای بلندمدت سیاست‌ها و ضرورت پرهیز از تصمیم‌های پرهزینه تأکید می‌کنند. ادامه این وضعیت نه به‌نفع دولت است و نه به سود جامعه. بی‌اعتمادی متقابل و استفاده ابزاری از نام و اعتبار کارشناسان، انگیزه گفت‌وگوی صریح و همکاری مؤثر را کاهش می‌دهد. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های پیچیده و انباشته روبه‌روست بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگویی شفاف، نهادمند و مبتنی بر احترام متقابل میان سیاستگذاران و اقتصاددانان نیاز است؛ گفت‌وگویی که در آن هم مسئولیت تصمیم با دولت روشن باشد و هم مرز دیدگاه‌های کارشناسی با تصمیم‌های سیاسی به‌درستی تفکیک شود.

شرایط بدتر زنان در مقایسه با مردان نیز می‌شویم به‌نحوی که نرخ بیکاری برای زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله کشور به ۲۷/۹ درصد می‌رسد. این درحالی است که اصولاً نرخ مشارکت زنان در ایران پایین است و بخش قابل‌توجهی از زنان اصلاً وارد بازار کار نمی‌شوند. حدود ۱۲ میلیون جوان نه شاغل‌اند و نه محصل و این موضوع واقعاً نگران‌کننده است.

یکی دیگر از شاخص‌های اقتصادی هشداردهنده نسبت هزینه‌های خوراک و مسکن به کل هزینه‌های خانوار است که ارتباط نزدیکی با هرم مازلو دارد. این شاخص رفاهی، نشان می‌دهد که خانوارها چه سهمی از درآمدشان را به نیازهای اولیه اختصاص می‌دهند و طبیعتاً هرچه این نسبت بالاتر باشد، نشان‌دهنده رفاه پایین‌تر خانوار است. متأسفانه این نسبت در ایران و در مقایسه با سایر کشورهای جهان به‌طور قابل‌توجهی بالاست. مخارج مسکن به تنهایی حدود نیمی از درآمد خانوارهای ایرانی را می‌بلعد و حدود ۲۰ درصد دیگر از منابع خانوار نیز صرف هزینه خوراک می‌شود. روشن است جوانانی که می‌دانند در صورت تشکیل خانواده و زیر فشار تأمین هزینه مسکن و خوراک باید از نیازهای دیگر چشم‌پوشی کنند؛ در این وضع، حتی نمی‌دانند چه رویکردی در برابر ازدواج و فرزندآوری داشته باشند.

پس گرفته شد؟

کیهان با لحنی گلایه‌وار

از پس گرفتن لایحه صیانت ۲ خبر داده است

گروه اجتماعی: روزنامه کیهان در شماره روز گذشته خود (۳۰ بهمن)، با ادیبانی تند از پس گرفته شدن «لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» گلایه کرد. این روزنامه مدعی شد که عقب‌نشینی دولت در برابر آنچه «فشار رسانه‌های اصلاح‌طلب» خوانده، راه را برای «ولنگاری رسانه‌ای» و «تحلیل‌های مغرضانه» باز کرده است. اما درحالی که کیهان از پس گرفته شدن یک لایحه دولتی مرثیه‌سرایی می‌کند، گزارش‌های میدانی و اسناد واصله نشان می‌دهد که ماجرا نه یک عقب‌نشینی بلکه یک «تغییر جبهه» است. آنچه از در دولت خارج شده حالا با قدرتی مضاعف از پنجره مجلس و شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تحت‌عنوان «صیانت ۲» در حال بازگشت است. تصویر بزرگ‌تری که در حال ترسیم است، فراتر از یک لایحه ساده است؛ ما با یک «کودتای ساختاری» در حکمرانی اینترنت ایران روبه‌رو هستیم که هدفش انتقال ثقل تصمیم‌گیری از دولت منتخب به نهادهای انتصابی و فرادولتی است.

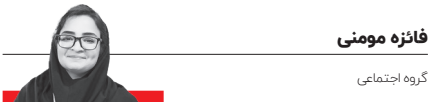
فراگیر؛ واژه‌ای برای بلعیدن تمامیت فضای مجازی

هسته مرکزی این منازعه در تعریف موسع از واژه «فراگیر» نهفته است. در طرحی که با نام پرطمطراق «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر» در مجلس ثبت شده و با مصوبات اخیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هم‌پوشانی دارد، «صوت و تصویر فراگیر» دیگر فقط شامل صداوسیما یا پلتفرم‌های بزرگی مثل شبکه نمایش خانگی نیست. طبق این تعاریف، هر محتوای صوتی و تصویری در هر بستری که «قابلیت دریافت عمومی» داشته باشد، ذیل نظارت سازمان صداوسیما و بازوی اجرایی آن، ساترا، قرار می‌گیرد. این به زبان ساده یعنی مرگ استقلال در فضای دیجیتال. از یک سایت خبری که ویدئوی

جامعه

میوه کوپنی!

گزارش سازندگی از سونامی گرانی میوه و تناقض‌های سبد معیشتی میدری



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

زمستان امسال برای سفره ایرانیان، سردتر از هر سال سپری شد. درحالی که به نیمه اسفندماه و تب‌وتاب خرید شب عید نزدیک می‌شویم، اعلام خبری از سوی احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پرده از واقعیت عریانی برداشت که مدت‌هاست زیر لایه‌های «تورم اخلاقی» پنهان شده بود. «سبب‌زمینی، پیاز، پرتقال و خرما هم کالابریگی شد». این جمله در نگاه نخست شاید برای عده‌ای نویدبخش «حمایت معیشتی» باشد اما برای طبقه متوسطی که هر روز لاغرتر می‌شود و دهک‌هایی که مدت‌هاست میوه را از دور تماشا می‌کنند، معنای دیگری دارد: سقوط آزاد قدرت خرید تا مرز «حیاتی‌ترین» صیفی‌جات. حالا در آستانه بهار، میوه که روزگاری نماد میزبانی ایرانی بو رسماً ردای «کوپن» به تن کرده است.

رگولاتوری اخلاقی در برابر واقعیت خشن بازار

داستان از جایی شروع شد که وزارت جهاد کشاورزی، مدیریت بازار را به‌جای ساختارهای نظارتی به «وجدان فروشنندگان» سپرد. اما بازار بهمن و اسفند ثابت کرد که در اقتصاد، «اخلاق» بدون «انضباط» چیزی جز یک شوخی تلخ نیست. وقتی قیمت انار دماوند ۸۰ درصد جهش می‌کند و موز از مرز ۱۸۰ هزار تومان می‌گذرد، یعنی نبض بازار نه در دست‌ان وزیر است و نه در وجدان حجره‌داران؛ بلکه در اختیار زنجیره‌ای از دلالات و انباردارانی است که زمستان را فصل «احتکار قانونی» می‌بینند. ایران یکی از قطب‌های تولید میوه در منطقه است اما طنز ماجرا اینجاست که شهروند ایرانی باید میوه تولید داخل را به قیمتی معادل یا حتی گران‌تر از بازارهای جهانی بخرد. اینجا نه بحث ارز در میان است و نه تحریم نهادهای دامی؛ اینجا بحث «مدیریت رها شده» است. گزارش‌های کمیسیون کشاورزی مجلس تایید می‌کند که قیمت از بساغ تا مغازه ۵ تا برابر افزایش می‌یابد. این اختلاف قیمت نجومی، دقیقاً همان سهمی است که دلالات از سفره مردم برمی‌دارند و حالا دولت سعی دارد با «کالابریگی کردن» پیاز و سیب‌زمینی، روی این حفرة عمیق مدیریتی سرپوش بگذارد.

کوتاهی منتشر می‌کند تا یک استارت‌آپ آموزشی و حتی یک کاربر ساده در اینستاگرام همگی بالقوه مشمول نظارت نهادی می‌شوند که خود بزرگ‌ترین رقیب آنهاست. جلال رشیدی کوچی، نماینده پیشین به‌درستی اشاره می‌کند که این جریان، تفرکی را دنبال می‌کند که از صداوسیما برخاسته و حالا می‌خواهد، تمامیت فضای مجازی را به شعبه‌ای از «جام‌جم» تبدیل کند.

ساترا؛ داور، بازیکن و پلیس در یک زمین

بزرگ‌ترین نقد حقوقی و اقتصادی به این تحرکات، «تعارض منافع» عریانی است که در قلب آن تپش دارد. سازمان صداوسیما که در سال‌های اخیر با ریزش شدید مخاطب روبه‌رو بوده، حالا به‌جای اصلاح ساختار خود به‌دنبال «حذف رقیب» از طریق قانون‌گذاری است. ماده ۲ این طرح، مسئولیت تنظیم‌گری، صدور مجوز و نظارت بر رسانه‌های کاربر‌محور و ناشر‌محور را به صداوسیما می‌سپارد. در هیچ کجای دنیا، رقیب اصلی یک بازار، وظیفه رگولاتوری و صدور مجوز برای رقبای خود را برعهده ندارد. این اقدام نه‌تنها با اصل ۴۴ قانون اساسی در تضاد است بلکه عملاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به یک نهاد حاشیه‌ای تبدیل می‌کند. وقتی واژه «حاکمیت» جایگزین «دولت» در ادبیات این اسناد می‌شود، معنای مشخصی دارد: خروج نظارت از حیطه پاسخگویی دولت و انتقال آن به ساختارهایی که کمترین میزان پاسخگویی به افکار عمومی را دارند.

اقتصاد محتوا در مسلخ جریحه‌های نجومی

اگر از لایه‌های سیاسی عبور کنیم، ضربه مهلک این طرح بر پیکره

پازل غیرممکن؛ یک میلیون تومان برای همه چیز؟

اما چالش اصلی نه در کالابریگی شدن بلکه در «عدد» نهفته است. اعتبار یک میلیون تومانی کالابریگ برای هر نفر، در نگاه نخست شاید رقم قابل توجهی به نظر برسد اما وقتی پای حساب و کتاب ریاضی در بازار اول اسفند ۱۴۰۴ می‌نشینیم، این رقم بیشتر به یک «پازل غیرممکن» شبیه می‌شود. دولت ۱۱ قلم کالا شامل شیر، ماست، پنیر، گوشت قرمز، مرغ، تخم‌مرغ، روغن، برنج، ماکارونی و قند و شکر را در این سبد قرار داده بود و حالا «میوه و تره‌بار» هم به آن اضافه شده است.

پرسش اصلی از وزیر رفاه این است: چگونه می‌توان با یک میلیون تومان، هم گوشت قرمز (که قیمت‌اش فراتر از تصور است) خرید، هم برنج و روغن را تامین کرد و حالا در کنار



آنها، سیب‌زمینی، پیاز، پرتقال و خرما را هم گنجانند؟ اگر یک سرپرست خانوار بخواهد حداقل‌های پروتئینی را رعایت کند، اعتبار کالابریگ در همان قفسه اول فروشگاه به پایان می‌رسد. اضافه کردن میوه به این سبد بدون افزایش چشمگیر اعتبار یا کاهش واقعی قیمت‌ها در مبدأ، تنها یک «توع‌کاغذی» است. در واقع دولت به جای حل مسئله تورم، تنها در حال شلوغ کردن سیدی است که کف آن سوراخ است. مردم اکنون با انتخابی درنداک روبه‌رو هستند: «گوشت بخیریم یا پرتقال؟ روغن برداریم یا خرما؟»

زمستان؛ بهشت دلالات و جهنم مصرف‌کنندگان

پشت پرده این گرانی‌ها، شبکه مخوف انباردارانی قرار دارد که از سرمای هوا به عنوان ابزاری برای فشار استفاده می‌کنند. در زمستان، هزینه نگهداری میوه در سوله‌ها پایین است و

دلالات با حبس محصول، عرضه را قطره‌چکانی می‌کنند تا قیمت را بالا نگه دارند. وزارت جهاد کشاورزی که مدعی ذخیره‌سازی هزاران تن میوه بود، در برابر این شبکه عملاً خلع سلاح شده است. حالا که با گرم شدن نسبی هوا در روزهای اخیر، دیوکنندگان از ترس فساد محصول، بخشی از ذخایر را وارد بازار کرده‌اند و قیمت‌ها اندکی تعدیل شده، دولت از فرصت استفاده کرده و «کالابریگ میوه‌ای» را کلید زده است. اما این مسکن‌های موقتی، درد مزمن ساختار توزیع را درمان نمی‌کند. کالابریگی شدن سیب‌زمینی و پیاز، اعتراف صریح دولت به شکست در کنترل قیمت پایه محصولات کشاورزی است. وقتی پیاز که از فرط فراوانی روزگاری نماد ارزانی بود، وارد فهرست کالاهای حمایتی می‌شود، یعنی امنیت غذایی کشور در سطح «قوت لایموت» با چالش جدی مواجه شده است.

وعدۀ ۱۵ اسفند؛ تکیه بر تعاونی‌های روستایی

احمد میدری از تفاهم با ۹ هزار تعاونی روستایی و عرضه‌کنندگان محلی سخن می‌گوید تا محصولات کشاورزی از ۱۵ اسفند در دسترس مردم قرار گیرد. این حرکت اگرچه در تئوری می‌تواند، دست واسطه‌ها را کوتاه کند اما در عمل با چند ابهام بزرگ روبه‌روست. نخست، آیا زیرساخت‌های لازم برای توزیع مویرگی محصولات فصلی و آسیب‌پذیر (مانند میوه) در این حجم وسیع وجود دارد؟ دوم، آیا قیمت‌گذاری در این تعاونی‌ها به قدری پایین خواهد بود که اعتبار یک میلیون تومانی کالابریگ را به سرعت نبلعد؟

تجربه نشان داده است که طرح‌های توزیع دولتی در آستانه عید معمولاً با صف‌های طولانی و کیفیت پایین محصولات همراه است. تبدیل کردن «خرید میوه» به یک فرآیند کوپنی، شأن مصرف‌کننده را در حد دریافت‌کننده اعانه پایین می‌آورد، درحالی‌که ریشه مشکل یعنی «دلالتی نظام‌مند» در میدان‌های میوه و تره‌بار همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند. یک میلیون تومان اعتبار کالابریگ، در تلاطم بازار اسفندماه، مانند قایق کوچکی است که می‌خواهند، باری به اندازه یک کشتی را روی آن سوار کنند. نتیجه، غرق شدن هرچه بیشتر معیشت مردمی است که حالا باید برای خرید «پرتقال شب عید» هم چشم به پیامک شارژ اعتبار بدوزند.



می‌تواند تبعات حقوقی داشته باشد عملاً مشارکت مردمی را متوقف می‌کند. کاربرانی که امروز در پلتفرم‌های مختلف به تولید محتوای مستقل مشغولند با این قانون باید برای هر فریم ویدئو، پاسخگوی نهادهایی باشند که فعالیت رسانه‌ای را نه یک «حق شهروندی» بلکه یک «امتیاز مشروط به مجوز» می‌دانند. ماده ۲۰ این سند حتی انتشار در بسترهای خارجی (مانند یوتیوب) را جرم‌انگاری کرده است؛ نوعی «خودنحریمی» که فرصت‌های حضور جهانی هنرمندان ایرانی را به یک ریسک حقوقی تبدیل می‌کند.

نقض قانون اساسی در پوشش صیانت

منتقدان به‌درستی بر نقض اصول ۲۳، ۲۴ و ۸۵ قانون اساسی تأکید دارند. تعیین تخلف، تعریف ضمانت‌اجرا و ایجاد تکالیف مالی، ماهیت تقنینی دارد و طبق قانون اساسی، این وظیفه منحصرراً در صلاحیت مجلس است و قابل واگذاری به نهادهایی مثل شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نیست. این جابه‌جایی قدرت، پیامی روشن دارد: «مدیریت متمرکز روایت». در روزهایی که فاصله میان رسانه رسمی و افکار عمومی به اوج رسیده، طراحان «صیانت ۲» گمان می‌کنند با بستن منافذ پلتفرم‌های مستقل، می‌توانند مخاطب را به سمت رسانه ملی بازگردانند. اما تجربه تاریخی ممنوعیت ویدئو، ماهواره و فیلترینگ تلگرام ثابت کرده است که «تکنولوژی دست‌وپرگیر نیست».

شهر

صف‌های طولانی، سبدهای کوچک

خانوارها خرید مواد غذایی را به‌اندازه نیاز محدود کرده‌اند

ایمان غیاثوند، مدیرعامل میدان میوه و تره‌بار جلال آل‌احمد معتقد است که افزایش چندبرابری قیمت محصولات اساسی در سال‌های اخیر، فشار قابل‌توجهی بر معیشت خانوارها وارد کرده و الگوی خرید مردم را به‌طور محسوسی تغییر داده است. او به سازندگی می‌گوید: برای نمونه، قیمت مرغ و سایر اقلام خوراکی نسبت به قبل از حذف یارانه‌ها، جهش چشمگیری داشته و هم‌زمان با مناسبت‌هایی مانند ماه رمضان، دوباره افزایش یافته است. هرچند قیمت در میادین میوه و تره‌بار نسبت به مغازه‌های سطح شهر به‌طور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد پایین‌تر است اما همین قیمت‌های پایین‌تر نیز در مقایسه با گذشته برای بسیاری از خانوارها سنگین محسوب می‌شود. اختلاف قیمت شدید میان میادین و خرده‌فروشی‌ها باعث شده مردم برای کاهش هزینه‌های خوراکی، خرید خود را به میادین منتقل کنند. غیاثوند ادامه می‌دهد: این وضعیت نشان می‌دهد، توان خرید خانوارها کاهش یافته است. افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان به میادین در ماه‌های اخیر در حالی رخ داده که مقدار خرید هر خانوار کوچک‌تر شده است. به بیان دیگر، خانوارها برای مدیریت هزینه‌ها، اقلام را صرفاً به اندازه نیاز روزانه تهیه می‌کنند تا هم هزینه کمتری پرداخت شود و هم از ضایعات جلوگیری شود. کوچک‌تر شدن «سبد خرید» نشانه مستقیم فشار معیشتی است؛ زیرا افزایش جمعیت مراجعه‌کننده بدون افزایش حجم فروش واقعی، بیانگر آن است که افراد بیشتری با منابع مالی محدودتر خرید می‌کنند. به گفته او؛ گرانی مواد غذایی زودفاسد مانند میوه، مرغ و گوشت نیز فشار مضاعفی بر مصرف‌کنندگان ایجاد کرده است. این اقلام باید سریع مصرف شوند و امکان ذخیره‌سازی طولانی ندارند؛ بنابراین خانوارها ناچارند حتی در شرایط افزایش قیمت حداقل میزان مورد نیاز را تهیه کنند. در نتیجه، الگوی مصرف به سمت مصرف حداقلی و خریدهای مکرر با حجم کم حرکت کرده است. هم‌زمان افزایش هزینه‌های تولید و توزیع به رشد قیمت‌ها دامن زده است. به گفته او؛ با افزایش چندبرابری قیمت محصولات، مردم خرید خود را به سمت میادین میوه و تره‌بار منتقل کرده‌اند؛ زیرا اختلاف قیمت با مغازه‌های سطح شهر و خرده‌فروشی‌ها قابل‌توجه است و میادین به‌صرفه‌تر محسوب می‌شود. در عین حال، تعداد مراجعه‌کنندگان افزایش یافته اما سبد خرید کوچک‌تر شده است. همچنین اشاره شد که افزایش قیمت اقلام خوراکی موجب شده مردم مصرف خود را کمتر و خرید را محدودتر کنند. بنابراین افزایش مراجعه به میادین بیشتر ناشی از تفاوت قیمت‌ها و تلاش مردم برای خرید ارزان‌تر و مدیریت هزینه‌های خوراکی است نه افزایش میزان مصرف.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیر مسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آراین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۶۸۵۳۲۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۲۰۰۰۴۴۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان گلوگاه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی بنام آقای امید لیاقتی فرزند عبدالصمد کلاسه ۲۶۸/۰۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۷-اصلی به شماره ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ واقع در اراضی لتکومه بخش ۲۴ ثبت گلوگاه مستند مالکیت مبیاعه نامه مورخ ۹۹/۰۸/۰۹ و استشهاده محلی و گزارش کارشناسان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۲۹۶۸۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

جعفر رسولی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگ

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۲۰۰۴۵۶۰۴۰۲۰۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶ که در هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه میترا دهقان فرزند رمضان علی به شماره ملی ۲۰۹۳۲۴۹۲۳۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی با کسر سهم وقف به پلاک ۸۴ فرعی به مساحت ۴۰۸/۷۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۹- اصلی واقع درقریه معلم کلا بخش ۴ ثبت ساری

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۳۱۰۷۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷

یاسر ملکی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۲۱۷۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ هیأت اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خاتم دوست میر سلیمانی فرزند ساهه میر بشماره شناسنامه ۴۰۸۱ صادره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۱۲.۱۳ متر مربع پلاک ۳۵۸ اصلی بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی مشایع علیمرحان منعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۸۰۲۸۱

آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۲۲۸۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ هیأت اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خاتم‌مهرین آزادی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۵۱۹ صادره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۷.۴۵ متر مربع پلاک ۳۵ فرعی از ۱۴۱ اصلی بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی مشایع بانو فخرالناج ربیع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۸۱۰۱۰

آیت اله زارع – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۰۳۲۱۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای / خانم مهدی صادقی فرزند صادق در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین باغی (کاربری باغی) به مساحت ۴۲،۳۹ متر مربع به پلاک ۷۶۰ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در قریه خوریه بخش ۱۰ ثبت نور خریداری از آقای / خانم اسمعیل صادقی مورد تایید و محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه سراسری و محلی آگهی می گردد در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۳۲۸۱۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

علی سعادت
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

مزایده سراسری املاک تملیکی بانک سپه به شماره ۵/۱۴۰۴/۵۲۳ (نوبت دوم)



www.banksepah.irمندرج میگردد وتا پایان آخرین مهلت ارائه پیشنهادات ملک عمل می باشد، توجه فرمایید.

توضیحات و شرایط:

- کلیه املاک عرضه شده در مزایده با وضع موجود به فروش می رسند.
- بانک در قبول یا رد یک یا تمامی پیشنهادات در هر مرحله مختار می باشد.
- در خصوص املاک دارای متصرف: بانک هیچگونه مسئولیتی در قبال تخلیه ملک، تحویل مورد معامله، افزایش سهم مشایع واخذ سند تفکیکی ندارد و انجام امر مذکور برعهده برنده مزایده خواهد بود.
- تمامی امور مربوط به اخذ سند تفکیکی، اصلاح سند، اصلاح پایانکار، اخذ پایانکار وغیره برعهده برنده مزایده بوده وبانک هیچگونه مسئولیتی نداشته ونخواهد داشت.
- انقاعاد قرار داد با متقاضی مطابق پیشنهاد ارائه شده از سوی ایشان در قالب عقود قرار داد اجاره به شرط تملیک وقرار داد فروش اقساطی (نقد واقساط) ومبیاعه نامه (نقدی)

(املاک مورد مزایده)

لیست املاک مازاد بر نیاز بانک سپه - شماره مزایده مرجع: ۵/۱۴۰۴/۵۲۳شماره مزایده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد): ۵۰۰۰۰۰۰۰۱۵۳۰۰۴۰۰												
ردیف	همانگی برای بازدید	آدرس	شماره پلاک ثبتی	نوع ملک	نوع کاربری	عرصه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	سهم بانک	وضعیت ملک	قیمت پایه کارشناسی (ریال)	نحوه فروش	توضیحات
۱	مدیریت شعب منطقه کرمانشاه	کرمانشاه - شاطر آباد - خیابان کوی هجرت پلاک ۲۶	۲۹۴۰ فرعی از اصلی ۱۵	آپارتمان	مسکونی	اوقافی	۴۴.۷۰	۵ دانگ مشاع	متصرف دارد	۶.۳۷۵.۰۰۰.۰۰۰	نقد/نقد اقساط ۱۰٪/نقد الباقی اقساط ۶۰ ماهه	ملک باوضع موجود به فروش می رسد. انتقال سند بصورت وکالتی /سایر موارد انجام می پذیرد.مساحت اعیانی به صورت تقریبی می باشد. مقدار ۵ دانگ مشاع متعلق به بانک سپه می باشد- عرصه اوقافی است
۲	مدیریت شعب منطقه کرمانشاه	گیلانغرب - دهستان حیدریه - روستای سوخور مروتی	۱۵۷ فرعی از اصلی واقع در روستای سوخور مروتی بخش ۶ حوزة ثبت ملک گیلانغرب	ساختمان	مسکونی	۴۷۵.۱۳	۱۰۰	شش دانگ	متصرف دارد	۹.۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نقد/نقد اقساط ۱۰٪/نقد الباقی اقساط ۶۰ ماهه	ملک با وضع موجود به فروش می رسد مساحت اعیانی به صورت تقریبی می باشد- انتقال سند بصورت وکالتی /سایر موارد انجام می پذیرد.
۳	مدیریت شعب منطقه کرمانشاه	گیلانغرب - دهستان حیدریه - روستای سوخور مروتی	۱۱۴ فرعی از اصلی واقع در روستای سوخور مروتی بخش ۶ حوزة ثبت ملک گیلانغرب	ساختمان	مسکونی	۹۹۱.۲۲	۹۵	شش دانگ	متصرف دارد	۱۲.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نقد/نقد اقساط ۱۰٪/نقد الباقی اقساط ۶۰ ماهه	ملک با وضع موجود به فروش می رسد. مساحت اعیانی بصورت تقریبی می باشد- انتقال سند بصورت وکالتی /سایر موارد انجام می پذیرد.
۴	مدیریت شعب منطقه کرمانشاه	گیلانغرب - دهستان حیدریه - روستای سوخور مروتی	۲۶۳ فرعی از اصلی واقع در روستای سوخور مروتی بخش ۶ حوزة ثبت ملک گیلانغرب	ساختمان	دامداری	۳۳۰۰	۵۵۶	شش دانگ	متصرف دارد	۳۸.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نقد/نقد اقساط ۱۰٪/نقد الباقی اقساط ۶۰ ماهه	ملک با وضع موجود به فروش می رسد. مساحت اعیانی به صورت تقریبی می باشد- انتقال سند بصورت وکالتی /سایر موارد انجام می پذیرد.